بیست و سه روز

با

غدیر

(از مدینه تا غدیر خم)

دکتر عدنان درخشان

درخشان، عدنان، ۱۳۵۲.
بیست و سه روز با غدیر / عدنان درخشان ـ تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۲.
۶۰ ص. ISBN 978 - 964 - 7965 - 05 - 7
فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه به صورت زیرنویس.
۱. غدیرخم. ۲. علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت ـ ۴۰ق. ـ اثبات خلافت. الف. عنوان.
۹ ب ۴ د / ۵ / BP ۲۲۳ ۲۹۷ / ۴۵۲
کتابخانه ملی ایران ۳۶۲۴۸ ـ ۸۲ م

با تشکر از مؤسسهٔ گیتاشناسی که در تهیهٔ
نقشهٔ «مسیر حجّة الوداع» ما را یاری کردند.



شابک ۷ـ۰۵ـ۷۹۶۵ـ۹۶۴ـ۹۷۸ ISBN 978 - 964 - 7965 - 05 - 7

بیست و سه روز با غدیر
دکتر عدنان درخشان
ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر
نوبت چاپ: هفتم (با تجدید نظر و اضافات) / ۱۳۸۸
تیراژ چاپ‌های قبلی: ۶۶۰۰۰ نسخه
تیراژ چاپ هفتم: ۳۰۰۰ نسخه
چاپ: صاحب کوثر

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۳۶ ۱۸ ۵۲ ۷۷ (۶ خط)
فروشگاه: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی‌پور، پلاک ۶۴ تلفن: ۸۰۱ ۶۶ ۳۳۵ (۴ خط) ۳۶ ۱۸ ۷۵۲ (۰۹۳۵)
وب سایت: http : // www.monir.com
پست الکترونیک: info@monir.com

دیگر مراکز پخش: نشر آفاق، ۲۲۸۴۷۰۳۵ * نشر نیک‌معارف، ۶۶۹۵۰۰۱۰ * نمایشگاه کتاب اعراف، ۲۲۲۰۸۵۲۹
دارالکتب الاسلامیه، ۵۵۶۲۰۴۱۰ * نشر رایحه، ۸۸۹۷۶۱۹۸ * پخش آینه، ۳۳۹۳۰۴۹۶

۱۰۰۰ تومان

ویرایش سوم این کتاب، در سال ۱۳۸۴ به مدّت ۲۳ روز در ستون
«از مدینه تا غدیر» در روزنامهٔ همشهری به چاپ رسیده است.

با تشکر از اساتید محترم:

زنده یاد دکتر طاهره صفّارزاده
آقای سیّد علی رضوی

با همکاری آقایان:

سیّد علی باروتیان
شهاب‌الدین جعفری
علیرضا جلایی‌پور
حمیدرضا رهنما
محسن سلیمانی
هادی آقاحسین شیرازی
عبدالعلی ظهیرالدّین
محمّد مهدی مدّاح

خانم‌ها:

ر. اردکانیان
س. اردکانیان
آذر تیموری
ث. درخشان

و به یاد مرحوم سیّد محمّد طباطبایی قمی

۲۳ روز...به عید غدیر خم، برترین عید الهی باقی است[1]

شنبه ۲۵ ذی‌القعدهٔ سال ۱۰ هجری قمری، ۷ اسفند
سال ۱۰ هجری شمسی، ۲۳ فوریهٔ سال ۶۳۲ میلادی[2]

این‌جا مدینه است. چندی است جارچیان که با صدای بلند در کوی و برزن خبرها را اعلان می‌کنند، از حج رسول خدا صلی الله علیه و آله سخن می‌گویند. از این سفر نه تنها اهل مدینه که ساکنان دیگر شهرها و آبادی‌ها نیز آگاه شده‌اند. به دستور آن حضرت، منادیانی به اطراف مدینه رفته‌اند تا همگان مقصد رسول خدا صلی الله علیه و آله را بدانند و پیامبر رحمت را همراهی کنند[3] چـه

---

۱ ـ اشاره به حدیث نبوی صلی الله علیه و آله که فرمودند: «روز غدیر خم برترین عـید امّت مـن است.» امالی، شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ق.) / ص ۷۶.

۲ ـ ر.ک. کتاب «گاهشماری ایرانی» / ص ۳۱۷، تألیف احمد بیرشك؛ بر طبق روایات اهل بیت علیهم السلام روز عید غدیر خم مقارن نوروز است. بر اساس محاسبات کتاب «گاهشماری ایرانی» روز عید غدیر مقارن ۲۸ اسفند ماه و پایان مراسم سه روزهٔ بیعت، نوروز بوده است. متن اصلی کتاب بر اساس قول اهل بیت علیهم السلام است.

۳ ـ بحار الانوار، علّامهٔ مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ ق.) / ج ۳۷ / ص ۲۰۱.

این اوّلین و آخرین حجّ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

اینک کاروان بزرگ حج، به قافله سالاریِ برترین مخلوق آفرینش، به سوی مکّه حرکت می‌کند. به دستور آن حضرت مردم لباس احرام برداشته‌اند. آن بزرگوار خود نیز غسل کرده و کاروان را هدایت می‌فرمایند.

کاروانیان افتخار هم‌سفری با اهل‌بیت پیامبر، صدیقهٔ کبریٰ فاطمهٔ زهرا علیها السلام و حسنین علیهما السلام، را خواهند داشت.[۱]

قافلهٔ عظیم حج، از مدینه خارج می‌شود و جمعیتی بالغ بر ۷۰ هزار نفر پیاده و سواره، در ۷ کیلومتری مدینه و ۴۸۶ کیلومتری مکّه در محلّی به نام «ذوالحُلَیْفه» یا «آبارْ علی»[۲] جایی که امروزه مسجد شجره نامیده می‌شود، متوقّف شده و به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم احرام بسته‌اند و به سوی حرم امن الهی راهی می‌شوند[۳] تا آداب حج را بیاموزند و بدانند که در نبود پیامبرشان، خداوند چراغ هدایت خویش را همچنان روشن و درخشان نگاه خواهد داشت و تا قیام قیامت، کسانی در میان مردمان خواهند بود تا حلقهٔ اتّصالِ زمینیان با آسمان باشند ...

---

۱ ـ در آغاز این سفر، امیرمؤمنان علیه السلام کاروان را همراهی نمی‌کنند امّا به زودی به قافلهٔ حاجیان خواهند پیوست. داستان این پیوستن در آینده خواهد آمد.

۲ ـ آبار جمع بئر به معنی چاه است. آبارعلی اشاره به چاه‌هایی است که حضرت امیرمؤمنان علیه السلام آنها را در این منطقه حفر کرده‌اند. امروزه این منطقه هم‌چنان مورد بازدید و توجه حجاج ایرانی است.

۳ ـ الغدیر، علّامهٔ امینی (متوفای ۱۳۹۰ق.) / ج ۱ / صص ۹ ـ ۱۰؛ عوالم‌العلوم، شیخ عبدالله بحرانی (متوفای ۱۱۲۱ ق.) / ج ۱۵ / صص ۱۶۷ و ۲۹۷؛ بحارالانوار / ج ۲۸ / ص ۹۵.

۲۲ روز... تا عید گشایش بر خانواده باقی است[1]

یک شنبه ۲۶ ذی‌القعدهٔ سال ۱۰ هجری قمری، ۸ اسفند سال ۱۰ هجری شمسی، ۲۴ فوریهٔ سال ۶۳۲ میلادی

امروز مدینه، به فِراق یاران خداجویش مبتلا است؛ چرا که تمامی انوار مقدّس عترت پیامبر، رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله را همراهی می‌کنند. در اوّلین و آخرین سفر حج ـ که «حجَّة الوِداع» نام می‌گیرد ـ تنها یار جدا مانده از کاروان، امیرمؤمنانعليه‌السلام است. چندی است فرستاده‌ای ویژه، حامل پیام رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله، روانهٔ سرزمین یمن شده است تا مولای متّقیانعليه‌السلام را ـ که برای تعلیم دین راهی آن دیار شده است ـ به مکّه فراخواند.[2]

پیامبر مهربان مأمور است تا زنگارهای جاهلیّت را از فریضهٔ عظیم

---

۱ ـ در این روز سفارش شده است که بر خانواده توسعه دهیم. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی (متوفای ۱۱۰۴ ق.) / ج ۷ / باب ۱۴ / ص ۳۲۵ / ح ۶؛ اقبال الاعمال، سیدبن طاووس (متوفای ۶۶۴ ق.) / ص ۴۶۴

۲ ـ الغدیر / ج ۱ / ص ۹ و از مدارک اهل تسنّن: سیرهٔ حلبی / ج ۳ / ص ۲۸۳؛ سیرهٔ احمد زینی دحلان / ج ۳ / ص ۳؛ امیرمؤمنانعليه‌السلام از ماه مبارک رمضان سال ۱۰ هجری به یمن رفته‌اند: مغازی واقدی / ج ۳ / ص ۱۰۷۹

حج بزداید و مناسک و اعمال حج را آنگونه که خواست خداوند است به مسلمانان بیاموزد.

... مأموریت مهم‌تر، ابلاغ عمومی و آشکار ولایت و امامت به دستور خداوند است تا پس از ۲۳ سال، بار سنگین مسؤولیت آسمانی هدایت را بر دوش جانشین خود بگذارد و انوار هدایت را یک به یک معرفی نماید تا برای آیندگان راهنما، رهبر و مقتدا باشند. به راستی، آینده آیا نیازمند مردی آسمانی نخواهد بود؟

بیست و دو روز دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، در اجتماع بزرگ مسلمانان در غدیر خم بر فراز منبر می‌فرمایند:

«ای مردم، این آخرین باری است که در چنین اجتماعی بپا می‌ایستم، پس گوش کنید و در مقابل امر خداوند، پروردگارتان، سر تسلیم فرود آورید، ... علی به امر خداوند صاحب اختیار و امام شماست و بعد از او امامت در نسل من از فرزندان اوست تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات خواهید کرد.»[۱]

آفتاب عمر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را چند صباحی بیش تا افول باقی نمانده است و هر آن چه باید ابلاغ شود به این سفر بستگی دارد.

---

۱ ـ فرازی از خطبهٔ غدیر.

۲۱ روز... به عید روزه‌داری پیامبران علیهم‌السلام باقی است[۱]

دوشنبه ۲۷ ذی‌القعدهٔ سال ۱۰ هجری قمری، ۹ اسفند
سال ۱۰ هجری شمسی، ۲۵ فوریهٔ سال ۶۳۲ میلادی

امروز دوشنبه ۲۷ ذی‌القعده، کاروان حج به کاروان سالاری پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به «عِرقُ الظُّبْیه» رسید. سپس در «رَوْحاء» توقف مختصری کرد. از آن‌جا برای نماز عصر به سویِ «مُنْصَرَف» رفت. هنگام نماز مغرب و عشا، کاروانیان در «مُتَعَشّیٰ» پیاده شدند و شام را همان‌جا صرف کردند؛ سپس حرکت کردند.[۲]

اوّلین و آخرین حجّ نبوی، بر پایهٔ حکم و وحی آسمانی شکل گرفت و به دستور قاطع خداوند مبنی بر ابلاغ حکم وصایت و امامت صورت پذیرفت.

---

۱ ـ روایات چندی تصریح دارد که حضرت آدم، حضرت ابراهیم، حضرت موسی و حضرت عیسی علیهم‌السلام و هم چنین رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در این روز، روزه می‌گرفته‌اند. وسائل الشیعه: ج ۷ باب ۱۴ ص ۳۲۸

۲ ـ الغدیر / ج ۱ / صص ۹ ـ ۱۰

﴿یا أیُّها الرَّسولُ بَلِّغ ما اُنزِلَ إلَیكَ مِن ربّك و إنْ لَم تَفعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَه وَ اللهُ یَعْصِمُكَ مِنَ النّاسِ...﴾ (مائده / ۶۷)

«ای پیامبر! آنچه راکه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن که اگر انجام ندهی، رسالت او را نرسانده‌ای و خداوند تو را از شرّ مردمان حفظ خواهد کرد».[1]

شگفتا...! این چه پیغامی است که اگر ابلاغ نگردد، رسالت همچنان ناقص می‌ماند و تلاش بیست و سه سالهٔ پیامبر عزیز اسلامﷺ، با تمام سختی‌ها، جنگ‌ها و ... بی‌ثمر خواهد بود؟

شگفتی دیگر در این است که آیهٔ الهی، پیام آور خویش را نوید سلامت می‌دهد و خداوند او را از شرّ مردم ایمنی می‌بخشد. مگر در کنار پیامبرﷺ جز مسلمانان، کس دیگری از یهود، مجوس، بت‌پرست، ... وجود دارد تا رسول خداﷺ از جانب او در خطر باشد؟! به یقین چنین نیست. پاسخ را باید در وجود منافقانی جستجو کرد که در لباس اسلام مخفی شده‌اند.

همراه کاروان بمانیم، تا آن پیام را بشنویم و در خطابهٔ غدیر، خطر این منافقان را بیابیم ...

---

۱ ـ بحارالانوار / ج ۳۷ / ص ۲۰۶ و برخی مدارک معتبر از اهل تسنّن: تفسیر کبیر فخر رازی شافعی / ج ۳ / ص ۶۳۶؛ عمدة القاری فی شرح صحیح البخاری ابن‌العینی حنفی / ج ۸ / ص ۵۸۴؛ الفصول المهمّة ابن‌صباغ مالکی / ص ۲۷؛ الدّر المنثور سیوطی شافعی / ج ۲ / ص ۲۹۸؛ ینابیع‌المودّة قندوزی حنفی / ص ۱۲۰

۲۰ روز... به روز شیث، یوشع، شمعون... و اوصیاء الهی باقی است[۱]

سه‌شنبه ۲۸ ذی‌القعدهٔ سال ۱۰ هجری قمری، ۱۰ اسفند
سال ۱۰ هجری شمسی، ۲۶ فوریهٔ سال ۶۳۲ میلادی

کاروان حاجیان صبح روز سه‌شنبه نماز را در «أثـایه» بـرپا داشت و سپس به‌سوی «عَرْج» حرکت کرد. این قافله هنوز امـیرمؤمنانعليه‌السلام را بـه همراه ندارد. آن حضرت به امر پیامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم ـ بـرای تـعلیم احکـام الهـی اسلام و نیز حلّ اختلافی که بین اهل یمن پیش آمده است ـ با گروهی از مسلمانان، راهی آن دیار شده‌اند و اینک با رسیدن نامهٔ رسول خداصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و دستور جدید، با گروهی از همراهان به سوی مکّه عازم‌اند.

شانزده ماه پیش نیز که پیامبر خداصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به قصد غزوهٔ تبوک مدینه را

---

۱ ـ این روز را روز اوصیاء الهی نیز می‌دانند برای مثال شیث وصی حضرت آدم، یوشع جانشین حضرت موسی و شمعون وصی حضرت عیسیعليهم‌السلام است. برای بررسی بیشتر ر.ک. بحارالانوار / ج ۹۷ / ص ۱۱۶

ترک کردند،[1] امیرمؤمنان علیه السلام ایشان را همراهی نمی‌کردند. آن روز، خطر فتنهٔ منافقان و کارشکنان، آن‌چنان در مدینه احساس می‌شد که رسول‌خدا صلی الله علیه و آله سنگر مدینه را به داماد خویش سپردند و با به‌جا گذاشتن شیرخدا علیه السلام، راهی نبرد شدند. منافقان ـ که نقشه‌های شوم خود را نقش بر آب می‌دیدند ـ چنین شایع کردند که فرزند ابوطالب برای پرهیز از گرما و سختی سفر، لشکر را همراهی نمی‌کند! این فتنه سبب شد تا یگانه قهرمان اسلام امیر مؤمنان علیه السلام به پیشگاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بشتابد و ایشان را از آن‌چه پیش آمده بود باخبر سازد. آنجا بود که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«أنتَ مِنّی بِمَنزِلَة هارونَ مِن مُوسی إلّا أنَّهُ لا نَبیَّ بَعدِی»[2]
«منزلت و جایگاه تو نسبت به من ـ در امر رسالت ـ هم‌چون هارون است برای موسی؛ جز آنکه پس از من پیامبری نیست».

علی جان ...! در مدینه بمان که مدینه بی‌تو، همانند کشتی بی‌ناخداست و طوفان حوادث آن را واژگون خواهد ساخت و منافقان و یهودیان هم داستان خواهند شد تا اسلام نوپا را از ریشه بخشکانند.

این حدیث که به «**حدیث منزلت**» مشهور است، بار دیگر بر زبان پیامبر صلی الله علیه و آله، در خطبهٔ غدیر، جاری می‌گردد تا همگان به مقام شاه ولایت علیه السلام آگاه گردند و حجّت بر خلایق کامل شود.

---

۱ ـ حرکت به سمت منطقهٔ تبوک در ماه رجب سال نهم هجری بوده است.

۲ ـ بحار الانوار / ج ۳۷ / صص ۲۵۴ ـ ۲۸۹؛ الغدیر / ج ۳ / ص ۱۹۸ و برخی مدارک معتبر مربوط به اهل تسنّن: مسند احمد حنبل / ج ۱ / صص ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۵ و ۱۷۷؛ مسند ابوداود / ج ۱ / ص ۲۸؛ صحیح ترمذی / ج ۲ / ص ۳۰۱؛ صحیح ابن‌ماجه / ص ۱۲

۱۹ روز... به عید تکمیل دین باقی است[۱]

چهارشنبه ۲۹ ذی‌القعدهٔ سال ۱۰ هجری قمری، ۱۱ اسفند
سال ۱۰ هجری شمسی، ۲۷ فوریهٔ سال ۶۳۲ میلادی

کاروان عظیم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در پنجمین روز از سفر خود به «سُقْیا» رسیده است. اینک پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تمامی اهل مدینه و اطراف آن را ـ جز آنان که به دلیل بیماری نتوانسته‌اند همراهی کنند ـ در قافلهٔ خود به همراه دارد.

ده سال پیش، در آغازین روزهای ماه ربیع‌الاولِ نخستین سال هجرت ـ زمانی که سراسر جزیرة العرب تحت سلطهٔ دشمنان بود و یاران و پیروان حق بسیار ناچیز می‌نمود ـ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مسیر مکّه تا مدینه را، به همراه تعداد اندکی، پیموده بودند؛ اما امروز بیش از هفتاد هزار نفر تنها از مدینه در کنار پیشوای مهربان خود ره می‌سپارند.

و هنوز زنده است یاد پر خاطرهٔ «**لیلة المبیت**»، آن شبی که شهسوار اسلام در بستر پیامبر خوابید تا نقشهٔ دشمنان، نقش بر آب گردد و با حفظ جان فرستادهٔ خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، تاریخ هجرت رقم بخورد.

---

۱ ـ اشاره به آیهٔ ۳ / مائده.

آن شب که پیشوای جوانمردان، هستی خویش را در طَبَق اخـلاص گذاشت تا جان پیامبر خداصلی‌الله‌علیه‌وآله از آسیب و خطر محفوظ بـماند، ردای بلند افتخار بر قامت علی‌علیه‌السلام راست آمد و چنین نازل گشت:

﴿و مِنَ النّاسِ مَن یَشرِی نَفسَهُ ابتِغاءَ مَرضاتِ اللهِ واللهُ رؤُوفٌ بالعِبادِ﴾ [1] (بقره /۲۰۷)

«و در میان مردمان، کسی وجود دارد که جـان خـود را در راه رضای خدا می‌فروشد و خداوند بر این چنین بندگان مهربان است.»

۱ ـ بحارالانوار / ج ۳۶ / صص ۴۰ ـ ۵۱؛ الغدیر / ج ۲ / صص ۴۸ ـ ۴۹ و برخـی مدارک معتبر مربوط به اهل تسنّن: مسند احمد حنبل / ج ۱ / ص ۳۴۸؛ تاریخ طبری / ج ۲ / صص ۹۹ ـ ۱۰۱؛ طبقات ابن‌سعد / ج ۱ / ص ۲۱۲؛ سیرهٔ ابن‌هشام / ج ۲ / ص ۲۹۱؛ تاریخ خطیب بغدادی / ج ۱۳ / ص ۱۹۱

۱۸ روز... به روز خبر بزرگ باقی است[1]

پنج‌شنبه ۳۰ ذی‌القعدهٔ سال ۱۰ هجری قمری، ۱۲ اسفند
سال ۱۰ هجری شمسی، ۲۸ فوریهٔ سال ۶۳۲ میلادی

امروز، آخرین روز از ماه ذی‌القعده است و کاروان حج در طیّ مسیر از مدینة النّبی تا مکّه، به محلی بنام «أبْواء» می‌رسد. این دیار برای پیامبر خداصلی‌الله‌علیه‌وآله، خاطرات تلخی را به یاد می‌آورد. حدود پنجاه و هفت سال پیش ـ آن‌گاه که فرزند یتیم عبداللهعلیه‌السلام همراه با مادر جوان خویش آمنهعلیهاالسلام، از زیارت قبر پدر در یثرب باز می‌گشتند ـ در همین محل بود که دیدگان مقدّس او در رحلت مادر گرانقدرش اشکبار شد و در موقعیّتی که تنها شش بهار از عمر سرورِ پیامبران الهی سپری شده بود، با غم فِراق مادر همنشین شد.[2]

---

۱ ـ اشاره به آیهٔ ۱ / نباء: مصباح کفعمی / ص ۶۹۸

۲ ـ همان‌گونه که اشاره شد «ابواء» از منزل‌گاه‌های بین مکّه و مدینه است. از آن‌جا که قبر مادر بزرگوار پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله در این مکان قرار دارد، این محل همواره مورد توجّه و زیارت پیامبر و ائمهعلیهم‌السلام بوده است تا آن‌جا که امام کاظمعلیه‌السلام در ابواء متولد شده‌اند: بحارالانوار / ج ۴۸ / ص ۱ ـ ۷

این همه بارِ غم بسیار تلخ می‌نمود، امّا محمّد امین خدا را همیشه با خود داشت و لطف بی‌پایان خداوندی همراهِ او بود.

... حال پس از سال‌ها، آن کودک یتیم، رسالت بیست و سه ساله‌ی خود را به پایان می‌رسانید. او به فرمان معبود بی‌همتا رهسپار مکّه شده بود تا آخرین برگ‌های رسالت خویش را نیز برخواند؛ رسالتی که جز او کسی را توان تحمّل و انجام آن نبود.

آیا در نبود این یگانه پیشوا ـ که برای مسلمانان، پدری مهربان است ـ خداوند امّتِ رسولِ آخر الزّمان را بی‌سرپرست رها خواهد کرد و آنان را به سانِ یتیمانی بی‌پناه، در وادی حیرت، بی‌راهبر خواهد گذارد؟! هرگز!

«أنا و علیٌّ أبَوا هذهِ الأُمَّه»[1]

«من و علی، دو پدر این امّت‌ایم.»

آری، در نبود پیامبر بزرگ صلی‌الله‌علیه‌وآله، امیر اهل ایمان علیه‌السلام پدرانه قافلهٔ اسلام را هدایت می‌کند و آن را به سر منزل رستگاری می‌رساند. اگر خداوند مهربان پیامبرش را به بهشت رضوان باز می‌خواند، به لطف و رحمت خویش برای زمینیان عترت او: علی، فاطمه، حسن، حسین، ... و مهدی علیهم‌السلام را باقی خواهد گذاشت و اینک کشتی نجات و صراط مستقیم خداوند، ولیّ زمان و امام عصر، حجةبن الحسن العسکری عجّل الله تعالی فَرَجَهُ الشّریف است؛ او پدر مهربان شیعیان و هدایت‌گر امّت‌هاست که:

«السَّلامُ علی مَهدیِّ الأُمَمِ»[2]

«سلام بر مهدیّ امّت‌ها.»

---

۱ ـ بحار الانوار / ج ۱۶ / ص ۹۵ و ج ۲۳ / ص ۲۵۹

۲ ـ مفاتیح الجنان / ص ۵۲۹: زیارت امام زمان علیه‌السلام

۱۷ روز... به کامل شدن نعمتهای الهی باقی است[۱]

جمعه اوّل ذی‌الحجّهٔ سال ۱۰ هجری قمری، ۱۳ اسفند
سال ۱۰ هجری شمسی، اوّل مارس سال ۶۳۲ میلادی

در هفتمین روز از طیّ مسیر مدینه تا مکّه، کاروانیان با عبور از «جُحْفَه» و «غدیر خم» عازم «قُدَیْد» می‌شوند. «جحفه» در ۱۵۶ کیلومتری مکّه، میقاتِ کسانی است که از مسیر شام و مصر به مکّه مشرّف می‌شوند. (امروزه هم‌وطنان ایرانی ما نیز ـ در صورتی که در برنامهٔ حجّ آن‌ها، تشرّف به مکّه پیش از زیارت مدینه باشد ـ از این میقات احرام می‌بندند.) تقریباً در سه کیلومتری این محل به طرف مکّه، غدیر خم قرار دارد که آب‌گیری باصفا در خود دارد و درختانی کهن سال بر آن سایه انداخته‌اند.

جحفه ـ که سه راهی مسیرهای مدینه، عراق و مصر به حساب می‌آید ـ خود یادآور خاطرات شیرینی است. یک سال پیش، یعنی در سال نهم هجرت، در همین محل بود که امیرمؤمنان علیه السلام به ابوبکر رسیدند و مأموریت ابلاغ آیات برائت را از او تحویل گرفتند و به دستور پیامبر

---

۱ ـ اشاره به آیهٔ ۳ / مائده

خداﷺ، وی را به مدینه باز گرداندند.

چنان‌که می‌دانیم، وقتی آیات آغازین سورهٔ برائت نازل گردید و رسول اکرمﷺ فرمان یافتند که آن آیات را در ایّام حج به مشرکان ابلاغ و اتمام حجّت کنند، ابتدا ابوبکر را، به سبب کینه نداشتن مشرکان از وی و اصرار برخی از دوستانش، به همراه چهل نفر، مأمورِ انجام فرمان ساختند؛ اما ... ساعتی بعد، جبرئیل نازل گردید و پیغام خدا را رسانید که:

«این کار را حتماً باید خود پیامبر یا کسی که از او باشد، صورت دهد.»[1]

در این‌جا بود که امیرمؤمنانؑ ـ که به بیان قرآن «نَفْسِ نبی» و «جان پیامبر»[2] بود ـ مأموریّت یافت و پای در راه گذاشت تا تنها و یگانه در برابر مشرکان مکّه بایستد و پیام را ابلاغ کند.

... چنین بود که جحفه بار دیگر فضیلت بی‌حد و برتریِ بی‌قیاسِ ابوتراب را نسبت به دیگر مسلمانان گواه آورد و در پی آن، در دهم ذی‌الحجهٔ سال نهم، بانگ رسای علوی در جَمَرهٔ عَقَبه در مِنا طنین انداز شد که:

﴿بَرائتٌ مِن اللهِ و رسولِه إلَی الّذینَ عاهدْتُم مِنَ المُشرِکینَ ...﴾ (سورهٔ توبه)

«خدا و رسول او، از عهدی که مشرکان با شما بستند و شکستند، بیزاری می‌جوید...»

---

۱ ـ بحارالانوار / ج ۳۵ / صص ۲۸۴ ـ ۳۱۳ و الغدیر / ج ۶ / صص ۳۳۸ـ۳۴۱ به استناد هفتاد و سه دانشمند سنّی از جمله: مسند احمد حنبل / ج ۳ / صص ۲۱۲ و ۲۸۳؛ جامع ترمذی / ج ۲ / ص ۱۳۵؛ الدّر المنثور سیوطی / ج ۳ / ص ۲۰۹

۲ ـ اشاره به آیهٔ ۶۱ / آل‌عمران.

۱۶ روز... به روز افشای راز نهان شده باقی است

شنبه دوم ذی‌الحجّهٔ سال ۱۰ هجری قمری، ۱۴ اسفند
سال ۱۰ هجری شمسی، دوم مارس سال ۶۳۲ میلادی

در هشتمین روز، کاروان حجّة الوداع که به «قُدَید» رسیده است، در آن‌جا توقف می‌کند. امیرمؤمنان علی‌علیه‌السلام و همراهان او ـ که به فرمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برای دعوت به حق و جمع‌آوری زکات و جِزْیه[1] به نَجْران و یمن رفته‌اند ـ هم‌اینک با همراهان خود به سمت مکّه ره می‌سپارند.

نجران ـ که منطقه‌ای مسیحی نشین در مرز یمن و حجاز است ـ خود حکایتی در فضیلت خاندان وحی در خاطره دارد. چند ماه پیش، هیئت نمایندگی مسیحیان نجران، مرکّب از شصت تن از برگزیدگان این قوم در پاسخ به ندای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ـ که آن‌ها را به قبول اسلام دعوت کرده بود ـ وارد مدینه شدند و وقایع و گفت و گوهای بسیاری بین آن‌ها و آخرین فرستادهٔ خدا پیش آمد. سرانجام رهبران مسیحی نجران از قبول اسلام

---

۱ ـ مالیاتی که مسیحیان و یهودیان به حکومت اسلامی می‌پردازند تا حکومت اسلامی در برابر دشمنان از آنان محافظت کند و امنیت ایشان را تأمین نماید.

سرباز زدند و حاضر به پرداخت جزیه نشدند. رسول خداﷺ ایشان را بـه مـباهله فـرا خـوانـدند؛ بـدین‌سان کـه از هـر یک از دو طـرف، برگزیده‌ترین‌ها، در نقطه‌ای خارج از مدینه به نفرین برخیزند تا خداوند دروغگویان را از رحمت خویش دور سازد و بر آنان عذاب فرو فرستد. قرآن چنین می‌فرماید:

﴿... فَقُل تَعالَوْا نَدْعُ أبناءَنا و أبناءَكُم و نساءَنا و نِساءَكُم وَ أنفُسَنا وَ أنفُسَكُم ثُمَّ نَبتهِلْ فَنَجعَلْ لَعنَتَ اللهِ على الكاذِبينَ﴾
(آل‌عمران / ۶۱)

«پس بگو: بیایید ـ حاضر شویم ـ تا پسرانـمان و پسـرانـتان و زنانمان و زنانتان و خودمان و خودتان را فرابخوانـیم. سـپس دعاکنیم تا خداوند دروغگـویان را بـه لعـنت (و مـجازات) خویش گرفتار سازد.»

لحظات مباهله فرا رسید و دیـدگان حـیرت زدۀ مسـیحیان سـیمای مطمئن و آرام پیامبرﷺ را مشاهده کردند کـه قـدم بـه مـیدان مـباهله می‌گذارد؛ در حالی که کودکی را در آغوش دارد و دست گلبوته‌ای دیگر را در دست می‌فشرد. بانویی در پس حضرتش حرکت می‌کند و در پشت سر آنها شوی افتخار آفرین این بانو، چـهرۀ آشـنای عـبادت و رزم، گـام بـر می‌دارد. به راستی، پیامبرﷺ تا چه اندازه به دعوت و دعای خود اعتقاد دارد که عزیزترین کسان خود را به وادی بلا و خطر آورده است؟!

... چنین بود که گروهی از نجرانیان مسلمان شدند و بقیه از بیم هلاک شدن، جزیه دادن را پذیرفتند و از درِ صلح درآمدند و شاه مردان به گواهی همین آیه به «**نفسِ پیامبر و جان رسول خدا**» شهرت یافت.[۱]

---

۱ ـ بحارالانوار / ج ۲۵ / ص ۲۲۳ و برخی از مدارک معتبر اهل تسنّن: صحیح مسلم / باب فضائل الصحابه؛ صحیح ترمذی / ج ۲ / ص ۳۰۰؛ مسند احمد / ج ۱ / ص ۱۸۵

۱۵ روز... به عید انبیاء و رسولان الهی باقی است[1]

یک‌شنبه سوم ذی‌الحجّهٔ سال ۱۰ هجری قمری، ۱۵ اسفند
سال ۱۰ هجری شمسی، سوم مارس ۶۳۲ میلادی

در نهمین روز سفر حجّة الوداع، کاروان عظیم پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله به «عُسْفان» رسید.

رسول اکرمصلی‌الله‌علیه‌وآله با عزمی راسخ به همراه قافلهٔ هفتاد هزار نفری خود، همچنان به سمت مکّه پیش می‌روند تا آخرین فرمان‌های خداوند را اجرا کنند؛ سفری با دو مأموریت الهی: اجرای صحیح مراسم حج و آموزش واجبات و مستحبّات آن به مسلمانان و همچنین اعلام عمومی امر ولایت و امامت و تعیین جانشین خویش به فرمان خداوند؛ چرا که دیگر خورشید عمر مبارکشان رو به افول نهاده است.

امیرمؤمنانعلیه‌السلام هم با سپاهیان خویش از یمن به سمت مکّه در راه

---

۱ ـ اشاره به حدیث نبویصلی‌الله‌علیه‌وآله که فرمودند: «انبیاء و اوصیاء ایشان روز غدیر خم را عید می‌گرفتند.» عوالم‌العلوم / ج ۱۵ / ص ۲۱۱؛ در برخی مدارک این روز را روز ادریس، هود،... نیز نام‌گذاری کرده‌اند.

است و بی‌صبرانه در انتظار دیدار رسول خداست.

اغلب محدّثان و مورّخان، به تواتر در کتب خویش نقل کرده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «اوّل کسی که روز قیامت در کنار حوض کوثر، بر من وارد می‌شود، علی است. او همان جوانمردی است که پیش از هر کس اسلام آورد و نماز گزارد و به فرمان خدا و رسول گردن نهاد.»

ابوذر غِفاری می‌گوید: از رسول گرامی خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که دربارهٔ امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمودند: «یا علی، تو اوّل کسی هستی که به من ایمان آوردی. تو کسی خواهی بود که در قیامت با من مصافحه می‌کنی. تو راست گویِ بزرگواری. تو کسی هستی که جدا سازندهٔ حق و باطلی و حق همواره با توست. تو پیشوا و رهبر مؤمنانی. تو برادر من، وزیر من و بهترین کسی هستی که پس از من باقی خواهی ماند و وعده‌های مرا انجام می‌دهی.»

«لولا أنْتَ ـ یا علیُّ ـ لَم یُعرَفِ المؤمنون بَعدِی»[1]

«یا علی، اگر تو نباشی، پس از من، مؤمنان شناخته نمی‌شدند.»

آری، با ولایت و امامت علی و یازده امام از فرزندان او علیهم السلام، اهل ایمان از کافران، باز شناخته می‌شوند؛ چرا که علم کتاب نزد آن‌هاست و آنان گواهِ حقّانیّت آئین اسلام‌اند. ایشان‌اند که ملاک فهم درست از دین پیامبرند و قرائت و تفسیر آنان از دین باید معیار باشد. و در زمان ما نیز چنین است که هر کس درک خود را با امام زمان خویش محک زند، حق را یافته و در صراط امن الهی است و اگر او را مقتدای خویش قرار ندهد، در مسیر کفر و گمراهی، حیران و سرگردان خواهد بود.

---

۱ ـ بحارالانوار / ج ۳۹ / ص ۲۰۷ و از اهل تسنّن: کنزالعمّال / ج ۶ / ص ۴۰۲

۱۴ روز... به عید اهل بیت محمّد علیهم‌السلام باقی است[۱]

دوشنبه چهارم ذی‌الحجّهٔ سال ۱۰ هجری قمری، ۱۶ اسفند
سال ۱۰ هجری شمسی، ۴ مارس ۶۳۲ میلادی

امروز، کاروان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به «مَرُّ الظَّهْران» رسید و تا شب، در آن‌جا توقّف کرد. آن‌گاه کاروانیان شبانه به سوی «سَرِف» حرکت کردند و به جایی رسیدند که منزل بعد از آن، مکّه معظّمه بود. حاجیان دیگری در بین راه به جمع مسافران حرم امن الهی ملحق شده‌اند. اینک کاروان رسول خدا پذیرای بیش از صد هزار نفر است.

فِراق مدینه از یار به دهمین روزِ خود رسیده است و مسجد زیبای نبوی، ده شبانه روز است که بی‌فروغ مانده؛ نه پیامبری ... نه وصی پیامبر و نه خاندان پاک و مطهّر او.

سالها پیش، پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، با ورود به مدینه، شروع به ساختن مسجدی کردند، که قبر شریف آن حضرت اینک در همین مسجد قرار دارد؛ قسمت شمالی مسجد، محلّ عبادت و صُفّه‌های جنوبی آن،

---

۱ ـ اشاره به حدیثی از امام رضا علیه‌السلام: عوالم‌العلوم / ج ۱۵ / ص ۲۲۳

آسایشگاه مهاجرانی بود که از مکّه با رسول خدا صلی الله علیه و آله کوچ کرده بودند و در مدینه منزلی نداشتند یا محلّ خوابِ انصار فقیر و بی‌بضاعت بود.

آری، مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه استراحتگاه چهارصد فقیر و بینوا بود که هر یک از آنها از طریقِ کسب و کار یا با کمک از بیت‌المال مسلمانان و غنایم جنگی به تدریج، سرمایه‌ای به دست می‌آوردند و منزلی می‌گرفتند.

در کنار مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله، خانه‌های جمعی از مهاجران و انصار قرار داشت که برخی از ایشان برای افتخار، از خانه‌های خود روزنه‌ها و درهایی به این مسجد باز کرده بودند... جبرئیل نازل شد و چنین پیام آورد: درهای این خانه‌ها به مسجد، همگی بسته شود؛ جز درِ خانهٔ علی علیه السلام.

جماعتی به اعتراض سخنانی گفتند. این سخنان به گوش پیامبر صلی الله علیه و آله رسید. پس فرمودند:

«ای مردم! بدانید که من فرمان یافته‌ام جز درِ خانهٔ علی، درِ خانهٔ همهٔ مهاجران و انصار را به مسجد ببندم. شنیده‌ام که برخی از شما سخنانی گفته‌اید! به خدا سوگند من از خود نه دری را بستم و نه دری را گشودم؛ بلکه این فرمانی از سوی خداوند است که باید پیروی کنم.»[1]

---

۱ ـ بحارالانوار / ج ۱ /صص ۲۰ و ۲۳ و برخی از مدارک معتبر اهل تسنّن: صحیح ترمذی / ج ۲ /ص ۳۰۱؛ مستدرک الصحیحین / ج ۳ /صص ۱۱۶ و ۱۲۵

۱۳ روز... به روز «عهد معهود» باقی است[1]

سه‌شنبه پنجم ذی‌الحجّهٔ سال ۱۰ هجری قمری، ۱۷ اسفند
سال ۱۰ هجری شمسی، ۵ مارس سال ۶۳۲ میلادی

کاروان رسول رحمت در نزدیکی مکّه است و تا رسیدن به حرم، راهی نمانده است. امیرمؤمنان علیه السلام ـ که برای دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله بی‌تاب‌اند ـ فرماندهی سربازان همراه خود را به جانشینشان سپرده، خود را به پیامبر می‌رساند. دیدگان پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از رسیدن به مکّه به دیدار برادرشان روشن می‌شود. از او می‌پرسند: «چگونه و با چه نیّتی احرام بستی؟» مولا علیه السلام پاسخ می‌دهد: «چون نمی‌دانستم که شما چه نیّتی کرده‌اید، من به همان نیّتی احرام بستم که رسول خدا احرام بسته است.» پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

«علی جان! تکلیف تو در این حج همان تکلیف من است. حال به

---

۱ ـ اشاره به حدیثی از امام صادق علیه السلام که فرمودند: «نام عید غدیر در آسمانها روز «عهد معهود» است.» عوالم‌العلوم / ج ۱۵ / ص ۲۱۴

سوی سربازانت بازگرد و با آن‌ها به مکّه بیا.»[۱]

... اینک کعبه بی‌تاب از شوق حضورِ بهترین میهمان در حریمش، رسیدن او را لحظه شماری می‌کند. امروز بیت‌الله‌الحرام، میهمانی را در طواف خود خواهد دید که تا برپایی قیامت، عزیزتر از او به زیارتش نخواهد آمد.

قافله و قافله‌سالار به حرم می‌رسند. صلای لبیک قطع می‌شود و مکّه، فرزند یگانهٔ خود را در آغوش می‌گیرد. رسول الله رو به سوی کعبه پیش می‌روند و در حالی که زبان به حمد و ثنای پروردگار و درود و صلوات بر حضرت ابراهیم گشوده‌اند، از باب بنی‌شَیْبه به مسجد وارد می‌شوند. لحظات نیک بختی حجرالأسود فرا رسیده است، حبیب خدا ابتدا بر حجر دست می‌سایند و آن‌گاه در گرداگرد کعبه به طواف مشغول می‌شوند. نماز عبودیّت در پس مقام ابراهیم ادا می‌شود و سپس نوبت به سعی میان صفا و مروه می‌رسد. همان‌جا که روزی دویدن‌های هاجر را به خود دیده است. هفت بار سعی صفا و مروه، از آخرین اعمال عمرهٔ تمتّع است.

کعبه بر خویش می‌بالد که سرور عالم، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر گرد او به طواف می‌چرخد... و کعبه خود یادآور فضیلتی دیگر از امیرمؤمنان علیه السلام است. آن‌گاه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«یا علیّ، إنّما أنت بمنزلة الکعبة تُؤتی و لا تأتی»[۲]

«ای علی، تو همانند کعبه هستی، که به‌سوی تو می‌آیند (تا هدایت و رهبری را به تو سپارند، در غیر این صورت) اگر نیامدند تو را تکلیفی نیست.»

---

۱ ـ بحار الانوار / ج ۲ / صص ۳۸۴ و ۳۹۲

۲ ـ بحارالانوار / ج ۳۳ / ص ۳۸۰ و ج ۳۶ / ص ۳۵۳ و ۳۵۸ و ج ۳۹ / ص ۴۸ و ج ۴۰ / ص ۷۸ و برخی از مدارک اهل تسنّن: اُسدُالغابة / ج ۴ / ص ۳۱؛ کنوز الحقایق / ص ۱۸۸

۱۲ روز... به روزِ عرضهٔ ولایت بر اهل آسمان‌ها باقی است[1]

چهارشنبه ششم ذی‌الحجّهٔ سال ۱۰ هجری قمری، ۱۸ اسفند
سال ۱۰ هجری شمسی، ۶ مارس سال ۶۳۲ میلادی

دومین روز اقامت پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله در مکّه پیش از عـزیمت بـه عـرفات است. امیرمؤمنانعلیه‌السلام نیز به مکّه آمده و از اعمال طواف و نـماز و سـعی فارغ شده‌اند. پس از دیدار پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله، امیرمؤمنانعلیه‌السلام نـزد سـربازان و همراهان خود بر می‌گردند تا آنان را برای رسیدن به مکّه فرماندهی کنند. آن حضرت در سفر خود به یمن مأموریت داشـتند تـا بـخشی از جِـزیهٔ مسیحیان نجران را، در قـالب یک هـزار دست لبـاس، از ایشـان تـحویل بگیرند و همراه بیاورند.

امیرمؤمنانعلیه‌السلام هنگامی که برای دیدار بـا پـیامبر خـداصلی‌الله‌علیه‌وآله، لشکـرِ خویش را در نزدیکیِ مکّه گذاشته، خـود بـه نـزد پـیامبر مـی‌شتابند، آن لباس‌ها را به جانشین موقّت خود می‌سپارند؛ امّـا در بـازگشت، مـتوجه می‌شوند که لباس‌ها در میان سربازان تقسیم شـده و سـربازان آنـها را بـه

---

۱ ـ اشاره به حدیثی از امام رضاعلیه‌السلام: عوالم‌العلوم / ج ۱۵ / ص ۲۲۴

عنوان لباس احرام بر تن کرده‌اند!

این عمل بر علیّ مرتضی علیه‌السلام سخت گران می‌آید و جانشین خود را مورد بازخواست قرار می‌دهند که: چرا چنین کرده است؟ وی می‌گوید: «سپاهیان اصرار کردند تا من این لباس‌ها را به امانت بدیشان بسپارم و پس از انجام حج باز پس گیرم.» اما حضرت امیر علیه‌السلام که چنین اختیاری برای آن مرد در بیت‌المال مسلمانان قائل نیست، همهٔ لباس‌ها را از سربازان باز پس می‌گیرد و در مکّه تحویل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌دهد.

عدالت و امانت علوی، همراهان حضرتش را خوش نمی‌آید. لذا به پیشگاه پیامبر شرفیاب می‌شوند و شِکوه می‌آغازند. پیامبر رنجیده از کردار و گفتار آنان، یکی از یاران خود را می‌طلبند و از او می‌خواهند که در میان این گروه شکوه گر بپا خیزد و پیام حضرتش را چنین ابلاغ کند:

«از بدگویی درباره علی دست بدارید و زبان درکام گیرید! او در اجرای دستور خداوند، بی‌پرواست و درکار دینداری‌اش سستی روا نمی‌دارد.» [۱]

در همین ایّام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در کنار چاه زمزم می‌ایستند و بر ثقلین (قرآن و عترت) تأکید می‌ورزند.[۲] سپس به ربیعة‌بن امیّه دستور می‌دهند که این سخن را با صدای بلند اعلام کند تا همگان بشنوند. آنگاه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله با گرفتن اقرار از حاضران در ابلاغ این پیام می‌فرمایند:

«خداوندا! شاهد باش.»

در پی آن، پیامبر دستور می‌دهند:

«شاهدان، پیام را به غایبان برسانند.» [۳]

---

۱ ـ بحارالانوار / ج ۲۱ / ص ۳۸۵ و برخی مدارک معتبر مربوط به اهل تسنّن: مسند احمد / ج ۳ / ص ۶۸؛ مستدرک الصحیحین / ج ۳ / ص ۱۳۴

۲ ـ این کلام با نام حدیث ثقلین در تاریخ ثبت‌شده و مورد قبول تمامی‌مسلمانان است.

۳ ـ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰۲.

۱۱ روز... به روز نجات حضرت ابراهیم علیه السلام از آتش، باقی است[۱]

پنج‌شنبه هفتم ذی‌الحجّهٔ سال ۱۰ هجری قمری، ۱۹ اسفند
سال ۱۰ هجری شمسی، ۷ مارس سال ۶۳۲ میلادی

مکّه همچنان پذیرای میهمان عزیز خویش است و میهمان بزرگ در بیم و اندیشهٔ رسالتی که بر گردن دارد؛ از سویی باید که اعمال حج را مو به مو به انجام رساند و مسلمانان را با مناسک حج آشنا کند و از سویی دیگر، به بزرگترین و حسّاس‌ترین تکلیف خود در این سفر جامهٔ عمل بپوشاند.

چه چیز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را این‌چنین اندیشناک کرده است؟ مگر از چه چیزی بیم دارد که این‌چنین از فرجام پیروان خود احساس خطر می‌کند؟ نیک بنگریم و در لابه‌لای خیل همراهان او بگردیم تا دریابیم که کدام اندیشه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را می‌آزارد؟

می‌دانیم که حضرتش به هنگام خروج از مدینه به قصد مکّه بیش از شصت قربانی به همراه داشت و کسانی نیز در قافله بودند که با خود

---

۱ ـ تاریخ، روز نجات حضرت ابراهیم علیه السلام از آتش نمرودیان را این روز می‌داند: عوالم‌العلوم/ ج ۱۵ / صص ۲۱۲ ـ ۲۲۲

قربانی به مکّه آورده بودند. به فرمان پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله، این گروه باید پس از انجام اعمال خود در مکّه، تا سربریدن قربانی در مِنا به حال احرام باقی می‌ماندند؛ اما تکلیف آنان که با خود قربانی نیاورده بودند نیز روشن بود. آنان می‌بایست بعد از سعی صفا و مروه از احرام خارج می‌شدند و برای عزیمت به عرفات دوباره احرام می‌بستند. این وظیفه و تکلیف آنان بود که پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله به آنان ابلاغ فرموده بودند.

دریغا... بودند منافقانی که علیرغم تأکید پیامبرشان برای بیرون آمدن از احرام، جاهلانه در احرام باقی ماندند! آنان در پاسخ اعتراضات، بی‌ادبانه پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله را مخاطب قرار داده و گفتند: «روا نیست پیامبرمان در احرام باشد و ما به کارهایی مشغول شویم که با خروج از احرام بر ما حلال شده است.»[1] تو گویی این منافقان کوردل بیش از پیامبر خدا، از دین و تکلیف خبر داشتند و رأی خویش را بر امر خدا و رسولصلی‌الله‌علیه‌وآله مقدّم می‌دانستند!

به راستی، این کج اندیشان چگونه در برابر دیگر تکالیف مهمّ الهی سر تسلیم فرود خواهند آورد؟

روزهایی مهمّ و حسّاس در پیش است و پیام آورِ امینِ الهی باید که برای رسانیدن پیام کردگارش زمینه را آماده سازد. همین امشب است که صدای حضرتش گفتار جبرئیل را برای مؤمنان فریاد می‌کند:

«خوشبختی واقعی و سعادت کامل و نیک بختیِ حقیقی، از آنِ کسی است که علی را در زنده بودن و پس از مرگش دوست بدارد».[2]

---

۱ ـ بحارالانوار / ج ۲۱ / ص ۳۹۱ و برخی مدارک مربوط به اهل تسنّن: مسند احمد / ج ۱ / ص ۵۰

۲ ـ بحارالانوار / ج ۳۹ / صص ۲۵۷ و ۲۷۴ و برخی مدارک مربوط به اهل تسنّن: مجمع الزوائد هیثمی / ج ۹ / ص ۱۳۲؛ کنز العمّال / ج ۶ / ص ۴۰۰

۱۰ روز... به روز عید و شادی و سرور باقی است[۱]

جمعه هشتم ذی‌الحجّهٔ سال ۱۰ هجری قمری، ۲۰ اسفند
سال ۱۰ هجری شمسی، ۸ مارس سال ۶۳۲ میلادی

امروز روز تَرْویه است. ترویه به معنای ذخیره کردن آب است و چون باید برای توقّف در عرفات و بیتوته در مشعر الحرام و نیز اعمال خاصّ مِنا، حجّاج به فکر ذخیرهٔ آب باشند، از این رو به آن روز «یوم التّرویه» گفته‌اند. این نام از حجّ ابراهیم و اسماعیل علیهما‌السلام به یادگار مانده است؛ چرا که جبرئیل علیه‌السلام به ایشان توصیه کرد تا برای عرفات و مشعر و مِنا آب با خود بردارند. در این روز از حجّة الوداع بود که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به همراه تمامی همراهان از مکّه خارج شدند و از راه مِنا به سوی عرفات رهسپار شدند.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به هنگام احرام بستن در ذوالحُلَیْفه شترانی را به عنوان قربانی با خود آورده بودند. از همین رو، بعد از اتمام طواف و سعی در مکّه همچنان تا اعمال عرفه و مِنا در احرام باقی ماندند. امیرمؤمنان علیه‌السلام

---

۱ ـ اشاره به روایتی از امام صادق علیه‌السلام: عوالم‌العلوم / ج ۱۵ / ص ۲۱۳

و دیگر کسانی که قربانی با خود داشتند نیز، چنین کردند، اما کسانی که قربانی با خود نداشتند و همگی در مکّه از احرام خارج شده بودند ـ به غیر از تعدادی به ظاهر مسلمان که به تکلیف عمل نکردند ـ امروز دوباره به قصد حجّ تمتّع احرام بستند و در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله به راه افتادند.

مکّه، در واپسین ماه‌های عمر رسالت، یادآور خاطراتی شیرین از سالهای آغازین دعوت نبوی است که در آن، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله همانند این سفر، به ابلاغ وصایت علوی مأمور بودند. در دعوت نزدیکان خود، دست امیرمؤمنان علیه السلام را ـ در حالی که عمر آن حضرت حدّاکثر ۱۳ سال بود ـ گرفته، فرمودند:

«إنَّ هذا أخی و وصیّی و خَلیفَتی فیکُم، فَاسمَعوا لَه وَ أطیعُوا»[1]

«به راستی که این ـ علی ـ برادر من، وصّی من و خلیفهٔ من در میان شماست. پس به سخنانش گوش فرا دهید و اطاعتش کنید.»

---

۱ ـ بحارالانوار / ج ۱۸ / ص ۱۶۳ و برخی مدارک مربوط به اهل تسنّن: مسند احمد / ج ۱ / ص ۱۵۹؛ تاریخ طبری / ج ۱ / ص ۲۱۷؛ کنزالعمّال / ج ۶ / ص ۴۰۱؛ کامل ابن‌اثیر / ج ۲ / ص ۲۴

۹ روز... به جشن ملائک در آسمان‌ها باقی است[۱]

شنبه نهم ذی‌الحجّهٔ سال ۱۰ هجری، ۲۱ اسفند
سال ۱۰ هجری شمسی، ۹ مارس سال ۶۳۲ میلادی

امروز، روز خودشناسی، روز بازخوانیِ کرده‌ها و نا کرده‌ها، روز اعتراف به گناهان و راز و نیاز با خداوند و روز معرفت نسبت به حجّت خداست. امروز، روز عرفه است و جایی که ما از آن سخن می‌گوییم، صحرای عرفات.

عرفات در روزگار ما، مشخص‌ترین مکانی است که حجّت خدا و جانشین پیامبر، حضرت حجةبن الحسن العسکری عجّل الله تعالی فرجه الشّریف در آن حضور می‌یابند و به جمع حاجیان گرما می‌بخشند. با آن حضور مقدّس، اگر حاجیان رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله را در کنار خود نبینند، مولای متّقیان را نیابند، وجود امام مجتبی را احساس نکنند، زمزمهٔ دعای سیّدالشهدا را نشنوند و امام سجاد را و حضرت باقر را و... به حق که حجّشان ناتمام است.

---

۱ ـ اشاره به روایتی از امام رضاعلیه‌السلام: عوالم‌العلوم / ج ۱۵ / ص ۲۲۲

عجب صحرایی است عرفات و عجب روزی است عرفه!

در چنین روزی، پیامبر خدا ﷺ تـا طـلوع آفـتاب در مِـنا حـضور داشتند و سپس به عرفات تشریف فرما شدند.

رسول خدا ﷺ در این میان، سوار بـر شـتر خـویش، مسـلمانان را مخاطب قرار داده، بار دیگر به اهل بیت خویش علیهم السلام سفارش مـی‌کنند و حدیث ثقلین را باز می‌خوانند:

من دو چیز در مـیان شـما بـاقی مـی‌گذارم کـه اگـر آن دو را رها نکنید، گمراه نخواهید شد: قرآن، کـتاب خـدا و خـاندان و اهل بیتم.[1]

نیک که بنگریم در مـحلّی بـه نـام «نَـمره» خـیمهٔ رسـول الله ﷺ را خواهیم دید و چون در سخنان حضرتش دقت کنیم، بوی خداحافظی را استشمام خواهیم کرد. آفتاب عمر حبیب خدا ﷺ اندیشهٔ غروب دارد و واپسین سفر این سفیر الهی با ابـلاغ آخـرین تکـالیف رسـالتش سـپری می‌شود.

پیامبرِ برگزیدهٔ خدا ﷺ می‌داند که باید در واپسین روزهای حیات، جانشینِ خود را به شکل آشکار و در حضور همگان به مردم بشـناساند. جبرئیل در شامگاه روز قبل، بار دیگر پیام معبودش را به وی ابلاغ کرده است که اگر چنین نکند گویی رسالتش را به انجام نرسانیده است.

---

۱ ـ بحارالانوار / ج ۲۹ / ص ۳۴۰ به نقل از جامع الاصول / ج ۱ / ص ۲۷۸ و صحیح ترمذی / ج ۵ / ص ۶۶۳ (هر دو مدرک که از منابع معتبر سنّی است اشاره دارد که حدیث مذکور در عرفه بیان شده است.)

۸ روز... به روز قبول توبهٔ حضرت آدم‌علیه‌السلام باقی است[1]

یک‌شنبه دهم ذی‌الحجّهٔ سال ۱۰ هجری قمری، ۲۲ اسفند
سال ۱۰ هجری شمسی، ۱۰ مارس سال ۶۳۲ میلادی

امروز روزی پرخاطره است. روزی که بوی بندگی خالص برگزیدگان الهی، ابراهیم و اسماعیل‌علیهما‌السلام را با خود دارد. روزی که قرن‌ها پیش، آن دو بزرگوار در امتحان اطاعت و بندگی خداوند، رضای حق تعالی را بدست آوردند و عید بزرگ اضحی و آیین ذبح قربانی، با ایثار آنان و هدیه‌ی بهشتی به یادگار ماند.

امروز پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله و همراهانش در مِنا قربانی می‌کنند. پس از آن، پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله پیروان خویش را مخاطب قرار داده می‌فرمایند: «چند صباحی بیش از عمر من باقی نمانده است. اگر در فردای روزگار نباشم، این برادرم علی است که در مقابل گمراهان خواهد ایستاد.»

سپس بار دیگر آنان را به امانت‌داری در برابر دو یادگار نبوّت توصیه

---

۱ ـ تاریخ، روز قبول توبهٔ حضرت آدم‌علیه‌السلام را پس از خارج شدن از جنّت، این روز می‌داند: عوالم‌العلوم / ج ۱۵ / ص ۲۱۲

کرده، می‌افزایند:

«من دو چیز گران‌بها در میان شما به امانت می‌گذارم که اگر به این دو چنگ زنید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترتم، یعنی اهل بیتم؛ این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا در روز قیامت، درکنار حوض کوثر بر من وارد شوند.» [۱]

همان‌گونه که اشاره شد این گفتار درخشان پیامبر خدا ﷺ، با عنوان «**حدیث ثقلین**» جاودانه در تاریخ مسلمانان باقی ماند. پیامبر ﷺ که دیروز در عرفه بر این امر تأکید نمودند، امروز نیز در منا به ثقلین (: دو یادگار و دو امر مهم) اشاره می‌فرمایند.

پیامبر ﷺ در ماجرای غدیر، بار دیگر با خواندن «حدیث ثقلین» از مسلمانان می‌خواهند که میراث ایشان، قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام را پاس دارند.

به راستی، با این همه تأکیدات معنای سقیفه، غصب فدک،... و کربلا چیست؟

---

۱ ـ برخی مدارک از اهل تسنّن: مستدرک الصحیحین / ج ۳ / ص ۱۰۹؛ خصائص نسایی / ص ۲۱ (هر دو مدرک صریحاً اشاره دارد که حدیث فوق در غدیر خم نیز بیان شده است.)

۷ روز... به روز تبریک و تهنیت مؤمنان به یکدیگر باقی است[۱]

دوشنبه یازدهم ذی‌الحجّهٔ سال ۱۰ هجری قمری، ۲۳ اسفند
سال ۱۰ هجری شمسی، ۱۱ مارس سال ۶۳۲ میلادی

روز یازدهم از ماه ذی‌الحجّه، روز ستیز با شیطان است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و یارانشان در پس اعمالی که دیروز در مِنا انجام داده‌اند، دیشب را در این وادی بیتوته کرده‌اند و اینک به رَمْیِ جَمَرات سه گانه، به نشانهٔ نفرت از شیطان مشغول‌اند.

و امیرمؤمنان علیه السلام مبارزه با شیطان را چه زیبا، به تمامی اهل ایمان آموخته است:

آنجا که از ۷۰ کشتهٔ قریش در بدر، او به تنهایی نیمی از بزرگان شرک را به هلاکت می‌نشاند. و در اُحد، یازده پرچم‌دارِ سپاه شیطان را به زانو در می‌آورد و هشتاد ضربه را به جان می‌خرد تا جان پیامبر صلی الله علیه و آله را حفظ کند.

---

۱ ـ امام رضا علیه السلام فرمودند: در این روز هرگاه برادر مؤمن خود را ملاقات کردید، چنین بگویید: «الحَمْدُلله الَّذی جَعَلَنا مِنَ المُتِمَسِّکینِ بِوِلایَةِ امیرِالمؤمِنین علیه السلام» سپاس خدایی را که ما را از تمسّک کنندگان به ولایت امیرمؤمنان علیه السلام قرار داد. عوالم‌العلوم / ج ۱۵ / ص ۲۲۳

خندق یادآور ضربتی است که از عبادت انس و ملائکه تا روز قیامت برتر است. خیبر حکایت از مبارزهٔ یک تنهٔ آن شهسوار اسلام در برابر شیاطین یهود دارد؛ آنگاه که ضربت او سنگ، کلاه‌خود و دستار سرِ پهلوان یهود «مَرْحَب» را تا به دندان دو نیم می‌کند و صدای آن ضـربت تـا دور دست شنیده می‌شود و نوید پیروزی را با خود به پیشگاه پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله می‌رساند.
و آنک ... امیرمؤمنانعلیه‌السلام است که به جنگ می‌رود و پیامبر خداصلی‌الله‌علیه‌وآله چنین خطابش می‌کند:

«یا علی، به پیش روکه جبرئیل از راست تو، میکائیل از جانبِ چپ تو، عزرائیل در جلویت و اسرافیل در پشت سرت قـتال می‌کنند و نصرت الهی بالای سر توست و دعای من از پی، تو را همراهی می‌کند.»[1]

و به حق، تنها علی است که پس از رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله، لیاقت سرپرستی و رهبری مسلمین را داراست.

---

۱ ـ بحارالانوار / ج ۲۱ / ص ۱۸ و برخی از مدارک اهل تسنّن: مسند احمد / ج ۱ / ص ۱۹۹؛ کنزالعمّال / ج ۶ / ص ۳۹۵؛ ذخائرالعقبیٰ / ص ۷۶؛ مستدرک الصحیحین / ج ۳ / ص ۱۷۳

۶ روز... تا روز زینت برای رضای خداوند باقی است[1]

سه‌شنبه دوازدهم ذی‌الحجّهٔ سال ۱۰ هجری قمری، ۲۴ اسفند
سال ۱۰ هجری شمسی، ۱۲ مارس سال ۶۳۲ میلادی

امروز آخرین روز توقّف در مِنا است و آخرین مراحل حج در حجّة الوداع به پایان خواهد رسید. پیامبر صلّی الله علیه و آله بار دیگر در سخنرانی خویش در «مسجد خِیْف» حدیث «منزلت» و «ثقلین»[2] را می‌خوانند و صریحاً از مسلمانان می‌خواهند که حاضران به غایبان برسانند.[3]

پیامبر اسلام صلّی الله علیه و آله امروز یکی از تکالیف مهمّ خود را در این سفر ـ که آموزش عملی اعمال و مناسک حجّ ابراهیمی به مسلمانان است ـ تمام و کمال به پایان می‌رسانند و در هر مورد واجبات و مستحبّات آن را برای مردم بیان می‌فرمایند. بدین ترتیب اعمال حج به پایان خواهد رسید.

---

۱ ـ اشاره به حدیثی از امام رضا علیه السلام: عوالم‌العلوم / ج ۱۵ / ص ۲۲۴

۲ ـ بحارالانوار / ج ۳۷ / ص ۱۱۴ و ۱۲۹

۳ ـ بر طبق شواهد تاریخی خطبهٔ بسیار مهمّی دربارهٔ مقام امیرمؤمنان علیه السلام در مسجد خِیف ایراد شده است. ر.ک: بحارالانوار / ج ۲۷ / ص ۶۹ و ج ۳۷ / ص ۱۱۴ ـ ۱۱۵ و ۱۳۵

پس از پایان مراسم حج، دستور الهی بر پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نازل می‌شود:

«نبوّت تو به پایان رسیده و روزگارت کامل شده است. اسم اعظم و آثار علم و میراث انبیا را به علیّ بن ابی‌طالب بسپار که او اوّلین مؤمن است. من زمین را ـ بدون عالِمی که اطاعت من و ولایتم با او شناخته شود و حجّت بعد از پیامبرم باشد ـ رها نخواهم کرد.»[1]

یادگار انبیا، صُحُف آدم و نوح و ابراهیم علیهم السلام، تورات و انجیل، عصای موسی علیه السلام، انگشتری سلیمان علیه السلام و سایر میراث‌های ارجمند ـ که فقط در دست حُجج الهی است و نزد انبیای پیشین و اوصیای ایشان دست به دست گشته و هم اکنون نیز خاتم انبیا صلی الله علیه و آله حافظ آن است ـ اینک باید به وصیّ آن حضرت منتقل گردد.

پیامبر صلی الله علیه و آله، امیرمؤمنان علیه السلام را فرا می‌خواند و مجلسی خصوصی ترتیب می‌دهد تا ودایع الهی را به آن حضرت بسپارد.

بدین سان به اعجاز نبوی، میراث هزاران سالهٔ انبیا علیهم السلام به حضرت امیرمؤمنان علیه السلام سپرده می‌شود و این امانت‌ها از مولای متّقیان به امامان بعد انتقال می‌یابد ... **و اینک در دست مبارک آخرین حجّت پروردگار حضرت بقیّة الله** ارواحنا له الفدا **است.**

---

۱ ـ بحار الانوار / ج ۲۸ / ص ۹۶ و ج ۳۷ / ص ۲۰۲ و ج ۴۰ / ص ۲۱۶

۵ روز... تا غدیر،
روز اجتماع مؤمنین به جهت جشن و سرور باقی است[۱]

چهارشنبه سیزدهم ذی‌الحجّهٔ سال ۱۰ هجری قمری،
۲۵ اسفند سال ۱۰ هجری شمسی، ۱۳ مارس سال ۶۳۲ میلادی

آخرین ساعات حضور پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مکّه است و به زودی کاروان حجّاج به قصد بازگشت به دیار خویش، حرکت خواهد کرد.

امروز نیز افتخاری دیگر برای شاه جوانمردان بـه هـمراه دارد. آری، امروز است که جبرئیل بر پیامبر خـداصلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نـازل مـی‌گردد و از جـانب پروردگار، عنوان افتخارآمیز «امیرالمؤمنین» را اختصاصاً برای ابوالحسن علیّ‌بن ابی‌طالب‌علیه‌السلام به همراه مـی‌آورد. پـیامبر خـداصلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نـیز دسـتور می‌دهند تا یکایک یارانشان صاحب ذوالفقار را ملاقات کنند و ایشان را با عنوان امیر اهل ایمان بخوانند و بر او چنین سلام کنند:

---

۱ ـ اشاره به حدیثی از امیرمؤمنان‌علیه‌السلام که به این امر سفارش فرمودند: عوالم‌العلوم / ج ۱۵ / ص ۲۰۹

«السّلامُ عَلَيكَ يا أميرَالمُؤمِنين»[1]

ایــن دســتور پــیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله بـعضی از صـحابه را خـوش نـمی‌آید و ناخرسندانه می‌پرسند: «آیا این عنوان از سوی خداوند و رسول اوست؟» پیامبر رحمت آزرده خاطر و غضبناک مـی‌فرمایند: «ایـن حـقّی است از طرف خدا و رسولش. خداوند این دستور را به من داده است.»

به راستی این‌چنین مسلمانانی در فرداهای نزدیک چگونه سر تسلیم در برابر فرمان عظیم پروردگار فرود خواهند آورد؟

نطفهٔ نخستین توطئه‌ها در همین روزهـا در مکّـه بسـته شـده است. گفته‌های پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله، از رحلت قریب الوقوع حضرتش خبر می‌دهد و همه چیز از جانشینی امیرمؤمنانعلیه‌السلام بعد از ایشان حکایت دارد. آنان که سال‌های سال در اندیشه و آرزوی تکیه زدن بر جایگاه حکومتِ بـعد از پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله، دندان طمع تیز کرده بودند، اینک حلقهٔ فتنه آراسته می‌کنند و برای فرداها، هم قسم می‌شوند که:

«اگر محمّد از دنیا رفت یا کشته شد، نمی‌گذاریـم خـلافت و جانشینی او در اهل بیتش مستقر شود.»[2]

این متن پیمانی بود که پنج نفر از یاران نقاب بـه چـهره و نـفاق‌پیشهٔ پیامبر، نوشته و در میان کعبه در زیر خاک نهان کرده بودند؛ پیمانی که با عـنوانِ «صـحیفهٔ مـلعونه» (نـوشتار شـوم) از آن یـاد مـی‌شود و پـیامبر بزرگ‌صلی‌الله‌علیه‌وآله در خطبهٔ غدیر نسبت به آن هشدار می‌دهند.

آیا مسلمانان به این هشدار توجّه کردند؟

---

۱ ـ بحارالانوار / ج ۳۷ / صص ۱۱۱ و ۱۲۰ و ج ۳۷ / باب ۵۴ و مدارکی از سنّیان که اذعان می‌کنند پیامبر چنین لقبی را به حضرت داده‌اند: حلیة الأولیا / ج ۱ / ص ۶۳ و تاریخ بغداد / ج ۱۳ / ص ۱۲۲

۲ ـ بحار الانوار / ج ۱۷ / ص ۲۹ و ج ۲۸ / ص ۸۵ و ج ۳۷ / ص ۱۱۴

۴ روز... تا عید غدیر،
روز احسان و نیکی در حقّ مؤمنان باقی است[۱]

پنج‌شنبه چهاردهم ذی‌الحجّهٔ سال ۱۰ هجری قمری،
۲۶ اسفند سال ۱۰ هجری شمسی، ۱۴ مارس سال ۶۳۲ میلادی

در این روز مکّه با میهمان عزیز خود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم، برای همیشه وداع می‌کند. به فرمان الهی، حاجیان به حرکت در می‌آیند و سیل جمعیّت که بیش از یکصد و بیست هزار نفر است، به همراه آن حضرت سفر پنج روزه تا غدیر را آغاز می‌کنند. حتی پنج هزار نفر از اهل مکّه و دوازده هزار نفر از اهل یمن، در جهت مخالف مسیر سرزمین خود، برای درک مراسم غدیر همراه حضرت آمده‌اند.

زمان ابلاغ مهمترین رسالت نبوی هر لحظه نزدیک‌تر می‌شود. دوست و دشمن در این که امیرمؤمنان علیه السلام تنها فرد شایسته برای جانشینی رسول خداست، شک ندارند؛ چرا که او اوّلین مسلمان و نخستین نمازگزار در پشتِ سر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. در دعوت نزدیکان ـ که به «یوم

۱ ـ اشاره به حدیثی از امیرمؤمنان علیه السلام: عوالم‌العلوم / ج ۱۵ / ص ۲۰۹

الإنذار» نام برده شده است ـ او برادر، وصی و جانشین پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله معرفی می‌شود. در لیلة المبیت (شب هجرت)، اوست که جان فدای نبوّت می‌کند. در بدر، اوست که کمر شرک را می‌شکند. آسمان اُحُد برای او سرودِ «لافتی إلّا علی، لا سیف إلّا ذوالفقار» می‌سُراید. خیبر را او فاتح است. جای جایِ قرآن مشحون از فضایل و مناقبِ اوست و این همه را رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله بهتر از هر کسی می‌داند ... اما فتنه جویانی در میان پیروانش دارد، که دلهایشان از حسد و کینه نسبت به علی مرتضیعلیه‌السلام لبریز است.

«یا علی، لا یُحبُّکَ إلّا مؤمنٌ و لا یُبغِضُکَ إلّا منافقٌ»[1]
«ای علی!، تو را جز مؤمن دوست نمی‌دارد و جز منافق کسی با تو دشمنی نمی‌کند.»

قلبی که جایگاه ایمان است، علی را دوست دارد. آری، امیرمؤمنان و اولاد اوعلیهم‌السلام محور محبّت الهی‌اند. دوستدار ایشان دوستدار خداست و دلهای اهل ایمان به سویشان پر می‌کشد. چه زیبا فرموده است امام حسن عسکریعلیه‌السلام:

«فرزندم، مهدی! بدان که دل‌های مردم طاعت‌پیشه و با اخلاص، به‌سان پرنده‌ای که به‌سوی لانه پر می‌کشد، مشتاقانه راهی کوی توست.»[2]

---

۱ ـ برخی مدارک معتبر از اهل تسنّن: صحیح مسلم / کتاب‌الایمان، جامع ترمذی / ج ۲ / ص ۲۲۹؛ الریاض النضرة / ج ۲ / ص ۲۱۳؛ کنزالعمال / ج ۶ / ص ۳۹۱؛ أسنی المطالب / ص ۸

۲ ـ بحارالانوار / ج ۵۲ / ص ۳۵

۳ روز... به انجام مراسم «عقد اخوّت» بین برادران دینی باقی است[1]

جمعه پانزدهم ذی‌الحجّهٔ سال ۱۰ هجری قمری، ۲۷ اسفند
سال ۱۰ هجری شمسی، ۱۵ مارس سال ۶۳۲ میلادی

کاروانیان پس از خروج از مکّه به «سَرِف» رسیده و از آن‌جا تا «مَرُّ الظَّهْران» آمده‌اند. هنوز تا «غدیر خم» چند منزل دیگر باقی است.

انتخاب منطقهٔ «غدیر» از چند جهت قابل توجّه است:

نخست از آن رو که در راه بازگشت از مکّه، نزدیک دو راهیِ جدا شدن کاروانها و تقاطع مسیرهاست. در آینده، کاروانهای حج، در راهِ رفت و برگشت، با رسیدن به وادی غدیر و نماز در مسجد پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم، با این جایگاه تجدید خاطره و بیعت تازه خواهند کرد تا یاد آن در دل‌ها احیا گردد.

---

۱ ـ برای آشنایی با این سنّت اسلامی مراجعه کنید به: مستدرک الوسائل، محدّث نوری(ره) / ج ۱ / ص ۴۵۶ / باب ۳ (چاپ قدیم) و همچنین اسرار غدیر، محمدباقر انصاری / ص ۲۲۰

دیگر این که «غـدیر» مـحلّی بسـیار مـناسب بـرای بـرنامهٔ سـه روزهٔ پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ایراد خطبه برای آن جمعیّت انبوه بود. منطقهٔ «غدیر خـم» بیابانی باز و وسیع در مسیر سیلاب وادی «جُحفه» است. این سـیلاب از مشرق به مغرب جاری می‌شود و پس از عبور از غدیر به جحفه می‌رسد و سپس تا دریای سرخ ادامه پـیدا مـی‌کند و سـیل‌های سـالیانه را بـه دریـا می‌ریزد.

در این مسیر آب گیرهای طبیعی به وجود آمده است که پس از عبور سیل، آب‌های باقیمانده در آن جمع و در طول سال به عنوان ذخایر آبـی شناخته می‌شوند و به آنها اصطلاحاً «غدیر» می‌گویند. در مناطق مختلف غدیرهای زیادی در مسیر سیل‌ها وجود دارد که با نام گذاری از یکدیگر شناخته می‌شدند. این غدیر هم برای شناخته شدن از غدیرهای دیگر به «**غدیر خم**» نام بردار است. کنار این آبگیر، پنج درخت سرسبز و کهن سال از نـوع «سَـمُر» شـبیه درخت چـنار وجـود دارد کـه درخـتی خـاصّ صحراهاست. این پنج درخت، سـایبانی دل‌پـذیر بـرای مسـافران خسـته است.

در نتیجه، این بیابان وسیع به عنوان مکانی مناسب برای مـراسـم سـه روزهٔ غدیر انتخاب می‌گردد و جایگاه سخنرانی زیر همان درختان در نظر گرفته می‌شود که هم مشرف بر بیابان و محلّ تجمّع مخاطبان است و هم سایبان مناسبی برای ایراد خطابه.

چند روز دیگر، پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در همین مکان و به هنگام بیعت، عمامهٔ خود را که «سحاب» نام داشت، به عنوان تاج افتخار، بر سر امـیرمؤمنان‌علیه‌السلام قـرار می‌دهند و می‌فرمایند: «عمامه، تاج عرب است.»[۱]

---

۱ ـ الغدیر / ج ۱ / ص ۲۹۱ و عوالم العلوم / ج ۱۵ / ۳ / ص ۱۹۹ و از اهل تسنّن: الریاض النضرة محب الدین طبری / ج ۲ / ص ۲۱۷؛ کنزالعمّال مـتّقی هـندی / ج ۸ / ص ۶۰؛ شرح المواهب زرقانی / ج ۵ / ص ۱۰

۲ روز... به روز عید غدیر،
روز صلوات و برائت از دشمنان باقی است[1]

شنبه شانزدهم ذی‌الحجّهٔ سال ۱۰ هجری قمری، ۲۸ اسفند
سال ۱۰ هجری شمسی، ۱۶ مارس سال ۶۳۲ میلادی

قافلهٔ عظیم غدیر همچنان در حرکت است و از «مَرُّ الظَّهْران» گذشته و به آبادی بعدی یعنی «عُسفان» رسیده است.

تا جایگاه موعود راهی باقی نیست. جایی که خداوند مقدّر داشته است تا رسولش، ولایت امیرمؤمنان و یازده فرزند او علیهم‌السلام را به مردم ابلاغ کند و پس از اتمام حجّت با مسلمانان، علی را به فرمان روایی آنان منصوب کند، چرا که چند روزی بیشتر از عمر مبارکش باقی نمانده است. آری، خداوند هیچگاه زمینش را بدون حجّت باقی نمی‌گذارد و پس از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، امیرمؤمنان و فرزندانش علیهم‌السلام حجّت روی زمین خواهند بود.

از طرف دیگر، بنیان گذاران سقیفه مقارنِ ماجرای غدیر، پیمان نامه‌ای

---

۱ ـ اشاره به حدیثی از امام صادق علیه‌السلام: بحار / ج ۳۷ / ص ۱۷۱

امضا کرده و به نظام دادن لشکر خود پرداخته‌اند تا از رسیدن خلافت به امیرمؤمنان‌علیه‌السلام جلوگیری کنند. در حقیقت در این روز است که صف‌آرایی جمل، صفّین و نهروان شکل می‌گیرد و آئین نو پای اسلام به جای آن که انسان‌های خاکی را با دستورات الهی به افلاک ببرد، گرفتار جهنّم هوا و هوس‌ها می‌شود. شماری دنیا طلب در بوستان دین لانه می‌کنند و گروهی منافقانه به بهانهٔ دفاع از دین، تیشهٔ جاهلیّت بر ریشهٔ دین می‌زنند.

تمام کج اندیشی‌ها در تاریخ اسلام، از این‌جا ریشه دارد و یکی از آثار این پیمان نامهٔ ناپاک و صحیفهٔ شوم، آنانی هستند که صاحب غدیر را به نام اسلام در محراب عبادت شهید می‌کنند و آب به آسیابِ مال پرستان و شهوترانانی می‌ریزند که از عدالت علوی گریزانند.

... هم‌چنین در صحیفهٔ ملعونه خطوط نانوشته‌ای است که غدیر را تا قربانگاهِ کربلا می‌کشاند.

چه آگاهانه فرمود امام صادق‌علیه‌السلام:

«آنگاه که آن پیمان نامه نوشته شد، حسین‌علیه‌السلام به شهادت رسید.»[1]

و چه زیبا مثلی آورد امام رضاعلیه‌السلام:

«مثل اهل ایمان در قبول ولایت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام در روز غدیر خم همانند ملائکه در سجودشان مقابل حضرت آدم‌علیه‌السلام است و مثل کسانی که در روز غدیر از ولایت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام سرباز زدند، مثل شیطان است.»[2]

---

۱ ـ بحارالانوار / ج ۲۴ / ص ۳۶۶ و ج ۲۸ / ص ۱۲۳

۲ ـ عوالم‌العلوم / ج ۱۵ / ۳ / ص ۲۲۴

۱ روز... به عید غدیر، روز حمد الهی و شکرگزاری باقی است[1]

یک‌شنبه هفدهم ذی‌الحجّهٔ سال ۱۰ هجری قمری، ۲۹ اسفند
سال ۱۰ هجری شمسی، ۱۷ مارس سال ۶۳۲ میلادی

کاروان بزرگ غدیر به همراهی وجود مقدّس پنج نور پاک، پیامبر، امیرمؤمنان، حضرت زهرا، امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام ـ که این کاروان را بر افلاکیان شرف می‌بخشند ـ پس از گذشتن از «عُسفان» به «قُدَید» رسیده است و اینک تا «جحفه» که «غدیر خم» کنار آن قرار دارد، راهی باقی نیست.

آنچه در غدیر برای مردم بیان می‌شود بزرگترین پیام اسلام، یعنی ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌باشد که اهمیّت آن از هر اصل دیگری در اسلام برتر است. نماز که خود ستون دین است، به هنگام سفر، کوتاه و شکسته خوانده می‌شود و در حالاتی، ساقط است یا روزه بر کهن سالان و بیماران و مسافران حرام شمرده شده است؛ اما ولایت اهل بیت علیهم‌السلام بر هر زن و مرد، پیر و جوان، کوچک و بزرگ ... در هر حال واجب است و تخلّف از

۱ ـ اشاره به حدیثی از امام صادق علیه‌السلام: بحار / ج ۳۷ / ص ۱۷۰

آن در هیچ هنگامی جایز نیست. غدیر خود حکایتِ متخلّف از ولایت را چنین گزارش می‌کند:

در آخرین ساعات روز سوم واقعهٔ غدیر یعنی ۲۰ ذی‌الحجّه، «حارث فِهْری» با دوازده نفر از یارانش نزد پیامبرﷺ می‌آید: ای محمّد! سؤالی دارم: این که دربارهٔ علیّ‌بن ابی‌طالب گفتی: «**مَن کنتُ مولاهُ فَعلیٌّ مَولاه ...**» از جانب پروردگار بود یا گفته خود توست؟

پیشوای اسلام پاسخ می‌دهد: «خداوند به من وحی کرده است و واسطهٔ بین خدا و من، جبرئیل است. من اعلام کنندهٔ پیام خداوندم و بدون اجازهٔ پروردگارم خبری نمی‌دهم.»

مرد نگون‌بختِ بدنهاد می‌غرّد: «خدایا! اگر آن چه محمّد می‌گوید حق و از جانب توست، سنگی از آسمان بر من بیفکن و عذابی دردناک فرو فرست.»

همین که سخن حارث تمام می‌شود و به راه می‌افتد، خداوند سنگی از آسمان بر او می‌فرستد که وی را در دم هلاک می‌گرداند و ماجرای اصحاب فیل، در برابر دیدگان یکصد و بیست هزار حاضر در وادی غدیر، تکرار می‌شود. آن گاه فرشتهٔ وحی فرود می‌آید:

﴿**سَألَ سائلٌ بِعذابٍ واقعٍ ❋ لِلْکافرینَ لیسَ لَهُ دافعٌ**﴾[1]

(معارج / ۱ و ۲)

«**سؤال کننده‌ای، عذابی را که وقوعش حتمی است طلب می‌کند. (او بداند که این عذاب) کافران را در برمی گیرد و هیچکس را توان دفعِ آن نیست.**»

---

۱ ـ بحارالانوار / ج ۳۷ / ص ۱۳۶؛ الغدیر / ج ۱ / صص ۲۳۹ ـ ۲۴۶ و برخی مدارک مربوط به اهل تسنّن: تفسیر قرطبی در تفسیر سورهٔ معارج؛ الفصول المهمّه ابن‌صباغ مالکی / ص ۲۶؛ تذکره ابن‌جوزی / ص ۱۹؛ فیض القدیر مناوی شافعی / ج ۶ / ص ۲۱۸

عیدالله الأکبر، روز اکمال دین و اتمام نعمت
بر رهروان راه امیرمؤمنان علیه السلام مبارک باد

دوشنبه هجدهم ذی‌الحجّه سال ۱۰ هجری قمری، اوّل
فروردین سال ۱۱ هجری شمسی[1]، ۱۸ مارس سال
۶۳۲میلادی

در اوّلین روز بهار و نزدیک ظهر روز دوشنبه، به مجرّد ورود کاروان بزرگ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به منطقهٔ «غدیر خم»، آن حضرت مسیر حرکت خود را به طرف راست جادّه و به سمت غدیر تغییر می‌دهند و می‌فرمایند:

«هان ای مردم! دعوت خدا را اجابت کنید. من پیام‌آور خدایم.»

این یعنی هنگام ابلاغ پیام مهمّی فرا رسیده است؛ لذا فرمان می‌رسد تا منادی ندا کند: «همه بایستند! آن‌ها که پیش رفته‌اند بازگردند و آنان که پشت سرند، خود را سریعتر برسانند...» آهسته آهسته همهٔ جمعیّت در

---

۱ ـ امام صادق علیه السلام از هم‌زمانی عید غدیر خم با نوروز و بهار طبیعت خبر می‌دهند: ر.ک بحارالانوار / ج ۳۷ / ص ۱۰۸ و ج ۵۹ / ص ۹۲

محلّ از پیش تعیین شده جمع می‌گردند. همچنین از حاضران خواسته می‌شود تا کسی زیر درختان کهن سالی که در آن‌جا هست نرود و آن مکان برای برپایی جایگاه سخنرانی خالی بماند.

پس از این دستور، همهٔ مَرکب‌ها متوقف و مردمان پیاده می‌شوند. آنگاه برای توقف سه روزه خیمه می‌زنند. شدّت گرما در اثر حرارت آفتاب و داغی زمین به حدّی است که مردم و حتّی خود آن حضرت گوشه‌ای از لباس خود را بر سر انداخته و گوشه‌ای از آن را زیر پای خود قرار داده‌اند.

از طرف دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله چهار نفر از اصحاب خاصّ خود یعنی مقداد، سلمان، ابوذر و عمّار را فراخوانده و به آنان دستور داده‌اند تا جایگاه سخنرانی را در کنار درختان بلند آماده کنند. آنان خارهای زیر درختان را می‌کَنند و سنگ‌های ناهموار را جمع می‌کنند. آن‌جا را جارو می‌زنند و آب می‌پاشند. بعد از آن در فاصلهٔ بین دو درخت، روی شاخه‌ها پارچه‌ای می‌افکنند تا سایبانی از آفتاب باشد. سپس در زیر سایبان، سنگ‌ها را روی هم می‌چینند و از روانداز‌های شتران و سایر مَرکب‌ها کمک می‌گیرند و منبری به بلندی قامت آن حضرت ساخته می‌شود و روی آن را با پارچه‌ای می‌پوشانند. منبر را طوری برپا کرده‌اند که نسبت به جمعیّت در وسط قرار بگیرد و پیامبر هنگام سخنرانی بر مردم مُشرِف باشند تا صدای حضرتش به همه برسد و همه ایشان را ببینند.

با توجّه به کثرت جمعیّت، «رَبیعه» را که صدای بلندی دارد، انتخاب کرده‌اند تا کلام آن حضرت برای افرادی که دورتر قرار دارند تکرار شود.

مقارن ظهر، منادی رسول الله صلی الله علیه و آله ندای نماز جماعت می‌دهد، مردم مقابل منبر جمع می‌شوند و با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نماز جماعت می‌گزارند. پس از نماز، پیامبر صلی الله علیه و آله از منبر غدیر بالا می‌روند. سپس علی علیه السلام را فرا می‌خوانند تا در سمت راستشان بر فراز منبر بایستند. آنگاه در حالی که

دست راستشان بر شانهٔ امیرمؤمنان علیه السلام قرار دارد، سخنرانی تاریخی خود را آغاز می‌کنند. این خطابه بیش از یک ساعت به طول می‌انجامد.

پیشوای مهربان در ابتدا به حمد و ثنای الهی می‌پردازند و سپس می‌افزایند که: باید فرمان مهمّی دربارهٔ علیّ‌بن ابی‌طالب ابلاغ کنم که اگر این پیام را نرسانم، رسالت الهی را نرسانده‌ام:

﴿یا أَیُّها الرَّسولُ! بَلِّغْ ما أُنزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ و إِنْ لَمْ تَفْعَلْ، فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَه...﴾ (مائده / ۶۷)

پس از آن، امر مؤکّد پروردگار را دربارهٔ اعلام ولایت به صراحت مطرح می‌دارند: جبرئیل سه بار بر من نازل شده و از طرف خداوند مرا مأمور کرده است که در این جایگاه به‌پا خیزم و بر هر سپید و سیاهی اعلام کنم که: «علیّ‌بن ابی‌طالب برادر من و وصیّ من و جانشین من بر امّتم و امام بعد از من است. نسبت او به من همانند هارون است به موسی؛ جز این که پیامبری بعد از من نیست و او صاحب اختیار شما بعد از خدا و رسولش است. خداوند در این مورد آیه‌ای از کتابش بر من نازل کرده است:

﴿إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللهُ وَ رَسُولُه وَ الَّذینَ آمَنوا الَّذینَ یُقیمونَ الصَّلاةَ وَ یُؤْتُونَ الزَّکاةَ وَ هُمْ راکِعُونَ﴾ (مائده / ۵۵)

صاحب اختیار شما خدا و رسول اویند و کسانی که ایمان آورده‌اند و نماز بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌پردازند.

پسر عمّم ـ فرزند ابوطالب علیهما السلام ـ است که نماز را برپا داشته و در حال رکوع زکات داده است و در هر حال خداوند ـ عزّ و جلّ ـ را قصد می‌کند. خداوند از من راضی نمی‌شود، مگر آن‌چه را در حقّ علی بر من نازل شده است ابلاغ کنم.»

سپس امامت دوازده امام بعد از خـود را تـا آخـرین روز دنـیا اعـلام می‌کنند تا همهٔ طمع‌ها یک‌باره قطع شود:

«حلالی نیست مگر آن‌چه خدا و رسولش و آنان (امامان) حلال کرده باشند و حرامی نیست مگر آن‌چه خدا و رسولش و آنان (امامان) بر شما حرام کرده باشند. خداوند ـ عزّ و جلّ ـ حلال و حرام را بـه مـن شـناسانده است و آنچه را پروردگارم از کتابش و حلال و حرامش به من آموخته به علی سپرده‌ام. ای مردم! او از طرف خداوند امام است. هرکس ولایت او را انکار کند، خداوند هرگز توبه‌اش را نمی‌پذیرد و او را نمی‌بخشاید. بدانید که جبرئیل از جانب خداوند این خبر را برای من آورده است که: «هرکه با علی دشمنی کند و ولایت او را نپذیرد، به لعنت و خشم خداوندی گرفتار می‌گردد.»

ای مردم! علی و پاکان از فرزندانم از نسل او «ثقل اصغر»نـد و قـرآن «ثقل اکبر» است. هریک از این دو از دیگری گزارش می‌دهد و با آن موافق است. آن‌ها از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا بر سر حوض کوثر بر مـن وارد شوند. بدانید که «امیرمؤمنان» بودن، برای اَحَدی جز او روا نیست.

سپس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امیرمؤمنان علیه‌السلام را به نـزدیک خـود فـراخـوانـده، بازوانِ آن حضرت را می‌گیرند و بلند می‌کنند تا همگان ایشان را به چشم خویش ببینند و راه هرگونه شکّ و شبهه‌ای تا آخر روزگار بسـته بـاشد. آن‌گاه بانگ برمی‌دارند:

«مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَهٰذا علیٌّ مَوْلاهُ اللّٰهُمَّ والِ مَنْ والاه و عادِ مَنْ عاداه»

«هرکه من صاحب اختیار اویم، ایـن عـلی صـاحب اخـتیار اوست. خداوندا! دوست بدار هرکس علی را دوست بدارد و دشمن بدار هرکس علی را دشمن بدارد.»

در پس این ندا، پیامبر خدا ﷺ رو به آسمان سخن می‌گویند: پروردگارا! تو هنگام روشن شدن این مطلب و منصوب داشتن علی در این روز این آیه را دربارهٔ او نازل کردی:

﴿... الیَومَ أکمَلتُ لَکُم دینَکُم وَ أتمَمتُ عَلیکُم نِعْمَتی وَ رَضیتُ لَکُمُ الاسلامَ دیناً ...﴾ (مائده / ۳)

﴿وَ مَنْ یَبْتَغِ غَیرَ الإسلامِ دیناً فَلَنْ یُقْبَلَ مِنهُ وَ هُوَ فی الآخِرَةِ مِنَ الخاسِرینَ.﴾ (آل عِمران / ۸۵)

... امروز دینتان را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام داشتم و از اسلام به عنوان دین شما راضی شدم...»

«هر که آیینی جز اسلام برگزیند، هرگز از او قبول نمی‌شود و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.»

گویی پیشوای دل آگاه و آینده‌نگر می‌داند منافقان و شیاطین بر سر راه هدایت خواهند نشست و امامان هدی علیهم‌السلام را در راه مطامع خویش، شهید خواهند کرد. این است که در بخش دیگری از خطبه، در وصف آخرین حجّت الهی چنین فرموده‌اند:

«بدانید که آخرینِ امامان، مهدی قیام‌کننده از ماست. اوست پیروزمند بر ادیان. اوست انتقام گیرنده از ظالمان. اوست چیره بر هر قبیله‌ای از اهل شرک و هدایت کنندهٔ آنان. اوست که هر صاحب فضیلتی را بر پایهٔ فضلش و هر صاحب جهالتی را به قدر جهلش منزلت و جایگاه می‌دهد. اوست انتخاب شدهٔ الهی. اوست وارث هر علم و محیط بر هر فهم. اوست خبر دهنده از پروردگارش و بالابرندهٔ آیات حق. اوست که پیشینیان به او بشارت داده‌اند.

بدانید او ولیّ خدا در زمین است و حکم کنندهٔ الهی در میان

بندگان و امین او در آشکار و نهان.»

«پروردگارا! تو شاهد باش که من ابلاغ کردم.»[۱]

سپس به فرمان پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله حاضران به بیعت با امیرمؤمنانعلیه‌السلام فراخوانده شدند. از جمله اوّلین کسانی که در غدیر خود را جلو انداختند، «ابوبکر و عمر» بودند که هنگام بیعت، به امیرمؤمنانعلیه‌السلام چنین گفتند:

«بَخٍّ بَخٍّ لك یابنَ أبی طالبِ أصبحتَ مولای و مولی کُلِّ مُسلم»[۲]

«گوارایت باد ای فرزند ابوطالب، اکنون مولای من و مولای هر مسلمان شده‌ای.»

... سرانجام، مراسم غدیر در چهارشنبه، بیستم ذی‌الحجّهٔ سال دهم هجری قمری و سوم فروردین ماه سال یازدهم هجری شمسی، پس از سه روز بیعت و تبریک، پایان پذیرفت.

* * *

«با یک جمله: چه سخت روزهایی بر امیرمؤمنان و... گذشت» نتیجهٔ لازم را بگیریم.

---

۱ ـ مدارک خطبهٔ غدیر: روضة الواعظین، ابن‌فتّال نیشابوری (متوفای ۵۰۸ ق.) / ج ۱ / ص ۸۹؛ احتجاج، شیخ طبرسی (متوفای ۵۸۸ ق.) / ج ۱ / ص ۶۶، الیقین، سیّدبن طاووس / ص ۳۴۶ و بحارالانوار / ج ۳۷ / باب ۵۲

۲ ـ بیش از شصت عالم سنّی ماجرا و عبارت تبریک دو خلیفه را آورده‌اند از جمله: احمد حنبل پیشوای حنبلیان در مسند / ج ۴ / ص ۲۸۱؛ تفسیر طبری / ج ۳ / ص ۴۲۸؛ البدایة و النهایة ابن‌کثیر / ج ۵ / صص ۲۰۹ و ۲۱۰؛ سرّالعالمین غزالی / ص ۹؛ النهایة ابن‌اثیر / ج ۴ / ص ۲۴۶: ر.ک. الغدیر / ج ۱ / صص ۲۷۲ ـ ۲۸۳

بدین‌سان، راه غدیر تا به قیامت روشن گردید و چراغ‌های هدایت و کشتی‌های نجات یک به یک معرفی شدند تا حجّت کامل گردد و کسی را تخلّف از آن جایز نباشد.

اینک... ما نیز به انتظاریم کـه ظـهور آخـرین مـوعود غـدیر و خـاتم اوصیاء پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله تحقق یافته و امام عدالت‌گستر بیاید و زمین پر فساد را آسمانی کند و انسان در بند خاک را به افلاک برد.

ای دوست غدیری! بر ماست که پیام غدیر را برسانیم؛ چـرا کـه ایـن وظیفه را پیامبر رحمتمان بر ما بایسته ساخت:

«فَلْیُبَلِّغِ الحاضِرُ الغایِبَ و الوالِدُ الوَلَدَ إلی یومِ القیامَه»[1]

«پس حاضران به غایبان و پدران به فرزندان برسانند... تا روز رستاخیز.»

---

۱ ـ قسمتی از خطابهٔ غدیر.

سؤالات از متن کتاب بیست و سه روز با غدیر

۱ـ کدامیک از افراد اهل بیت پیامبر اکرمصلی‌الله‌علیه‌وآله هنگامی که آن حضرت کاروان حج را از مدینه به‌سوی مکه حرکت داد همراه کاروان نبودند و سپس به قافلهٔ حاجیان پیوستند؟

الف) امیرالمؤمنینعلیه‌السلام ب) حضرت زهراعلیهاالسلام ج) امام حسنعلیه‌السلام د) امام حسینعلیه‌السلام

۲ـ مهم‌ترین برنامه و هدف پیامبر اکرمصلی‌الله‌علیه‌وآله در حجةالوداع چه بود؟

الف) آموزش صحیح نماز به عنوان رابطه با پروردگار و تبیین حکم زکوة در رابطهٔ با مردم

ب) آموزش مناسک و اعمال حج و ابلاغ عمومی و آشکار ولایت و امامت امیرالمؤمنین و ائمهعلیهم‌السلام

ج) صلح با مشرکین مکه و انجام اعمال و مناسک حج ابراهیمی

د) هر سه مورد

۳ـ هنگامی که پیامبر اکرمصلی‌الله‌علیه‌وآله در غزوهٔ تبوک مدینه را ترک کردند و برای دفع فتنهٔ منافقان و کارشکنان و یهودیان امیرالمؤمنین علیعلیه‌السلام را جانشین خود در مدینه قرار دادند، کدام جملهٔ معروف را خطاب به حضرت علیعلیه‌السلام فرمودند؟

الف) یا علی، لایحبك الّا مؤمن و لا یبغضك الّا منافق

ب) لولا انت یا علی لم یعرف المؤمنون بعدی

ج) یا علی، انّما انت بمنزلة الکعبه تؤتی و لا تأتی

د) انت منی بمنزلة هارون من موسی الّا انّه لا نبی بعدی

۴ـ به اعتراف بسیاری از کتب شیعه و سنی آیهٔ ۲۷ سورهٔ بقره: «و من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله و الله رؤوف بالعباد» اشاره به کدامین رشادت و جانفشانی امیرالمؤمنینعلیه‌السلام دارد؟

الف) آن هنگام که در جنگ احد مسلمانان از ترس پا به فرار می‌گذارند و امیرالمؤمنین با جانفشانی ضربات شمشیر را بر جسم و تن خویش پذیرا می‌شود و از پیامبر رحمتصلی‌الله‌علیه‌وآله محافظت و پاسداری می‌کند

ب) آن هنگام که پیشوای جوانمردان هستی و جان خویش را در طبق اخلاص گذاشت و در بستر پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله خوابید تا پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله به مدینه هجرت فرمایند

ج) آن هنگام که در جنگ خندق با ضربه‌ای حیدری عمروبن عبدود قهرمان عرب را به دوزخ فرستاد و پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود ضربه علیعلیه‌السلام در خندق برتر از عبادت تمامی انس و جن است

د) آن هنگام که امیرالمؤمنینعلیه‌السلام، فاطمهعلیهاالسلام، امام حسن و امام حسینعلیهماالسلام سه روز روزه گرفتند و هر سه روز افطار خود را در راه خدا خالصانه به مسکین و یتیم و اسیر دادند

۵ـ در ماجرای مباهله پیامبر صلی الله علیه و آله با مسیحیان نجران که به تسلیم شدن مسیحیان این منطقه در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله انجامید، آیهٔ ۶۱ سورهٔ آل عمران نازل گردید، منظور از «نسائنا» در این آیهٔ شریفه کیست؟

الف) عایشه ب) حفصه ج) همسران پیامبر صلی الله علیه و آله د) حضرت فاطمهٔ زهرا علیها السلام

۶ـ امام صادق حضرت جعفربن محمد علیهما السلام می‌فرمایند: «آن‌گاه که آن پیمان‌نامه نوشته شد، حسین علیه السلام به شهادت رسید» حضرت به چه پیمان‌نامه‌ای اشاره می‌کنند؟

الف) دستوری که یزید به والی مدینه نوشت که از امام حسین علیه السلام بیعت بگیر و اگر بیعت نکرد او را بکش

ب) دستوری که ابن‌زیاد برای عمر سعد نوشت که به لشگر امام حسین علیه السلام حمله کن

ج) صحیفهٔ ملعونه‌ای که بنیانگذاران سقیفه مقارن ماجرای غدیر امضا کردند تا از رسیدن خلافت به علی علیه السلام جلوگیری کنند

د) پیمان‌نامه‌ای که امام حسن علیه السلام پس از خیانت سرداران لشگرش مجبور شد با معاویه صلح کند

۷ـ پیامبر صلی الله علیه و آله در خطابه غدیر پس از معرفی دوازده جانشین خود در امّت با بیانات زیر یکی از این ائمّه را معرفی می‌کند:

«اوست پیروز بر ادیان، اوست انتقام گیرنده از ظالمان، اوست چیره بر هر قبیله‌ای از اهل شرک و هدایت‌کننده آنان، اوست که هر صاحب فضیلتی را بر پایهٔ فضلش و هر صاحب جهالتی را به قدر جهلش منزلت و جایگاه می‌دهد.» این توصیفات در شأن چه کسی است؟

الف) حضرت علی علیه السلام ب) امام حسن علیه السلام ج) امام حسین علیه السلام د) امام زمان علیه السلام

۸ـ کدامیک از ویژگی‌های زیر به عنوان توصیف امام زمان علیه السلام در خطابه غدیر توسط پیامبر عنوان نشده است؟

الف) بدانید او ولی خدا در زمین است و حکم کنندهٔ الهی در میان بندگان و امین او در آشکار و نهان

ب) اوست که پیشینیان به او بشارت داده‌اند

ج) اوست که نماز را بر پا داشته و در حال رکوع زکات داده است و در هر حال خداوند عزّ و جلّ را قصد می‌کند

د) اوست وارث هر علم و محیط بر هر فهم

۹ـ پس از خطابهٔ غدیر پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می‌دهند که حاضران با امیر مؤمنان بیعت کنند. از جمله اولین کسانی که در غدیر خود را جلو انداختند و در هنگام بیعت به امیرمؤمنان گفتند: «بخٍ بخٍ یابن ابی‌طالب اصبحت مولای و مولی کل مسلم» چه کسانی بودند؟

الف) عمر و ابوبکر ب) معاویه و عمروعاص ج) حارث فهری و دوازده یارش د) ابوسفیان و عثمان

۱۰ ـ این جملهٔ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در خطابهٔ غدیر در رابطه پیام غدیر و ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و ائمه علیهم‌السلام » به چه معناست: «فلیبلغ الحاضر الغائب و الوالد الولد الی یوم القیامة»

الف) پدرانی که حاضرند پیام غدیر را به فرزندانشان که غایبند تا روز قیامت برسانند.

ب) پس حاضران به غایبان و پدران به فرزندان برسانند... تا روز رستاخیز

ج) کسانی که حاضرند به غایبان و پدران و فرزندان تا روز قیامت برسانند

د) هر سه مورد

۱۱ ـ کدام یک از موارد زیر جزو وقایع تاریخ عید غدیر نمی‌باشد؟

الف) روز نجات حضرت ابراهیم علیه‌السلام از آتش ب) روز عرضه ولایت بر اهل آسمانها

ج) روز میلاد مسعود امیرالمؤمنین علیه‌السلام د) روز قبول توبه آدم علیه‌السلام

۱۲ ـ برترین عید امت پیامبر کدام است؟

الف) عید قربان ب) عید فطر ج) عید غدیر خم د) روز جمعه

۱۳ ـ در کدام جنگ امیرالمؤمنین علیه‌السلام یک تنه در برابر دشمنان می‌ایستد و با ضربه‌ای سنگین، کلاه‌خود، دست و سر پهلوان یهود «مرحب» را به دو نیم می‌کند و باعث پیروزی مسلمین می‌شود؟

الف) جنگ بدر ب) جنگ احد ج) جنگ خندق د) جنگ خیبر

۱۴ ـ «من دو چیز گران‌بها در میان شما به امانت می‌گذارم که اگر به این دو چنگ زنید هرگز گمراه نخواهید شد. کتاب خدا و عترتم، یعنی اهل بیتم. این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا در روز قیامت در کنار حوض کوثر، بر من وارد شوند.»

این فرمایش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله که به حدیث ثقلین مشهور است در حجةالوداع در کدام موقف اعلان عمومی شد؟

الف) در عرفه ب) در منیٰ ج) در غدیر خم د) هر سه

۱۵ ـ طبق فرمایش حضرت علی‌بن موسی‌الرضا علیه‌السلام در روز عید غدیر هنگام دیدار برادر ایمانی خود باید چه بگوییم؟

الف) الله اکبر، الله اکبر، الحمدلله علی ما هدٰینا و له الشکر علی ما اولینا

ب) الحمدلله الّذی جعلنا من المتمسکین بولایة امیرالمؤمنین علیه‌السلام

ج) برائة من الله و رسوله الی الّذین عاهدتم من المشرکین

د) السّلام علیك یا امیرالمؤمنین

www.ketabkhani.com

پاسخنامه

نام و نام خانوادگی: ....

آدرس و تلفن: ....

۱ـالف ☐	ب ☐	ج ☐	د ☐
۲ـالف ☐	ب ☐	ج ☐	د ☐
۳ـالف ☐	ب ☐	ج ☐	د ☐
۴ـالف ☐	ب ☐	ج ☐	د ☐
۵ـالف ☐	ب ☐	ج ☐	د ☐
۶ـالف ☐	ب ☐	ج ☐	د ☐
۷ـالف ☐	ب ☐	ج ☐	د ☐
۸ـالف ☐	ب ☐	ج ☐	د ☐
۹ـالف ☐	ب ☐	ج ☐	د ☐
۱۰ـالف ☐	ب ☐	ج ☐	د ☐
۱۱ـالف ☐	ب ☐	ج ☐	د ☐
۱۲ـالف ☐	ب ☐	ج ☐	د ☐
۱۳ـالف ☐	ب ☐	ج ☐	د ☐
۱۴ـالف ☐	ب ☐	ج ☐	د ☐
۱۵ـالف ☐	ب ☐	ج ☐	د ☐

مسابقه کتابخوانی در سایت www.ketabkhani.com برگزار می‌گردد.